

چرخش بسوی 'شیطان بزرگ'

صفحه ۷

اعلام جرم علیه جنایتکاران شکنجه گر در خیم ننگت باد!



مردم زحمتکش ایران!
انسانهای شریف جهان!
جمعیت هلال احمر ایران!
جمعیت صلیب سرخ بین المللی!

جنایتکاران شکنجه گری، که بر جان و مال مردم زحمتکش و آزادی دستان خود را گشاده اند، برای شما به اطلاع می‌رساند که اهداف پلید خود علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن و برای سرکوب میهن دستان و دگراندیشان از هیچ وسیله و اقدامی، هر چند هولناک و غیرانسانی، آبا، ندارند!

طبق گزارشات متعدد پزشکان متخصص که در اختیار ما است و بر مبنای مشاهده فیلم تلویزیونی به اصطلاح "اعتراضات" تنظیم شده‌اند، در خیمان با شکنجه‌های بربرمشرانه خود از جمله صدمه مغزی به رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، وارد کرده‌اند.

در اثر این صدمه مغزی، سمت راست صورت رفیق نورالدین کیانوری فلج Hemiparese شده است. طبق همین بقیه در صفحه ۲

راه توده

تشریح و تحلیل حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۶ خرداد ۱۳۲۲ مطابق ۱۲ شعبان
۱۳۰۳ و ۲۷ مه ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۲۳
پا: ۱۰۰ ریال

تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای

های گوناگون و ارسال نامه به مقامات جمهوری اسلامی و درخواست آزادی فوری و بلائید و شرط این میهن پرستان، کمیته دفاع از زندانیان توده‌ای آلمان فدرال متشکل از حقوقدانان و پیز - شدان و فعالین جنبش دموکراتیک این کشور به منظور هماهنگی و تعمیق این فعالیت‌ها در سراسر جهان از فعالین جنبش دفاع میهن پرستان بقیه در صفحه ۳

در پی گسترش موج همبستگی نیروهای مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان با حزب توده ایران و دفاع از زندانیان در بند و تلاش برای حفظ جان آنها، تا بحال بشکل اعزام هیئت و درخواست از دولت جمهوری اسلامی برای سفر به ایران، عنوان ناظرین بیطرف جهت ملاقات با زندانیان توده‌ای و شرکت در دادگاه‌های غلنی این رفا، به سفارتخانه‌های ایران در کشور

خائن کیست؟

این روزها خائنین به اهداف انقلاب ضد-امپریالیستی و مردمی میهن ما و با آنها، تسلیم-طلبان و معاشاگران با ارتجاع داخلی و راستگرا-یان، شاه وار و ساواک وار به لجن پراکنی علیه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران مشغولند و حزب ما را "خائن" می‌نامند! آنها که در این زمینه هم چیز "نوئی" به بازار نیا-وردند و "راه سومی" جز راه سقوط به دامن امپریالیسم نیافتند، کف بر لب آورد‌اند و آن نشخوار می‌کنند، که ارنیه قی شده رژیم سلطنتی و ارتجاع داخلی و خارجی است. مردم که هر روز با چشمانی حیرت زده عاقبت آنهمه فریاد‌های "برای مستضعفان و محرومان" را می‌بینند به

در این سوال می‌کنند:

خائن کیست؟

مخک خیانت چیست؟

گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از حزب توده ایران

توده ایران که با حضور نماینده حزب در دادگاه ننگه پاریس تشکیل شد، قطعنامه‌ای در محکوم کردن دستگیری و شکنجه وحشیانه رهبران و اعضا و اعلام انحلال حزب توده ایران بتصویب رسید. در پایان قطعنامه فراخوانی از کلیه نیروهای دموکراتیک و آزاد یخواه فرانسه خواسته شد که برای نجات جان این مبارزین بیاخیزند و تظاهرات روز ۱۸ ماه مه بدین مناسبت برگزار میسود، شرکت نمایند.

پس از بخش سناریوی "اقراریه" رهبران حزب توده ایران، از شبکه تلویزیون ایران که بکارگردانی سیا، موساد، ساواک و سایبر سرویس‌های جاسوسی امپریالیستی در "استودیو اوین" تهیه گردیده بود، موج اعتراضات احزاب، سازمانها، شخصیت‌ها و افراد مترقی در همه دنیا بر علیه این جنایت ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است.

فرانسه

در جلسه همبستگی با رهبران و اعضا حزب

سازمانهای امضاء کننده بدین قرارند:

بقیه در صفحه ۴

به دروغ مدعی‌اند، که حزب ما "قانون جمهوری را زیر پا گذاشته است! می‌خواهند القاء بکنند، که قربانیان بی‌قانونی و قانون شکنی، آنها که عناصر مشکوک غیر مشول و مشول به خانه‌ها و کلوب‌هایشان ریختند و آتش زدند و تاراج کردند، قانون شکنند و نه آنها که بانی پیوسته و ستم و قانون شکنی اند. می‌خواهند القاء کنند، که نه آنهاست که مشول بودند که جلوی این قانون شکنی‌ها را بگیرند، به قانون خیانت کرد‌اند بلکه آنها که خود را مورد تهدید ابواش "مسلمان" و مسلمان نما یافتند! می‌خواهند القاء کنند، که بقیه در صفحه ۲

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب به صفوف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید!

خائن کیست؟

بقه ا رصفحه ۱

آنها که در مواقع مراجعه و برخورد به نهاد های انقلابی خود را توده های مدافع انقلاب معرفی می کردند، حاضرند و نه آنها که لیست نام و آدرس اسن انقلابیون صادق را برای روز خیا - نت خود تدارک می دیدند!

آیا ما، که مدافع قانون اساسی هستیم خائنینیم، و با آنها که قانون اساسی را مورد علامت سؤال قرار می دهند و آنرا مطابق " موازین سرعی " نمی دانند؟ آیا ما به اهداف انقلاب خیانست کردیم و با آنها که از " انقلاب لوج نسیسان طبع ناخ نسیسان " صحبت کردند و اکنون کساح نسیسان ما و بدون ریش را بر سرنوست انقلاب مسلط ساخته اند؟ آیا ما، که مدافع اصلاحات ارضی اعلایی و دادن زمین به دهقان بی - زمس و کم زمین بودیم و هستیم خائنینیم و یا آنها که دیگر سند مالکیت بر زمین را " پینسه دست " دهقان نمی دانند؟ آیا ما، که راه ترقی و تعالی جامعه را با تحقق عدالت اجتماعی به نفع زحمتکشان ممکن میسازیم، و یا آنها که

حتی شعار " عدالت اجتماعی " را مخالف شعار " جمهوری اسلامی " درک می کنند و هر آنکه آنرا طلب کند، " توده های " قلمداد می شنند او را سرکوب می کنند؟ آیا ما، که از حق داشتن آزادی عقیده و نظر دفاع می کنیم، که از اصل ۲۳ و ۲۶ قانون اساسی پشتیبانی می کنیم خائنینیم، یا آنها، که حتی بخشی از نمایندگان مجلس را تهدید می کنند و می کوشند حق مسلم حتی نمایندگان مجلس را نیز در برابر نظر محدود سازند و باز پس بگیرند؟

نه، آقایان مگلا و معم! این ما نیستیم، که خائنینیم! زیرا سیاست ما، برخلاف " سیاست " شما از روز اول روشن، زلال و صریح بوده و هست! ما از هدف ثیری ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد سرمایه داری، ضد فئودالی و آزاد بیخش شما دفاع کردیم، آن را با تمام توان خود مورد حمایت قرار دادیم و سند افتخار خود را برای همیشه در تاریخ میهن مان ثبت کردیم!

ما به این اهداف، به خلق خواستار آن و به

آن نیروهائی که به این اهداف خیانت نکرد مانند و برای تحقق آن می رزمند، خیانت نکردیم و نخواهیم کرد، زیرا این اهداف، اهداف نبرد آشتی ناپذیر چندین دهه خود ما با ارتجاع و امپریالیسم بوده و هست!

خیانتکار کسی است که با تشکیل مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی، خود را با آن هماهنگ نشان داد، و آن روز که روز اجرای آن رسید از حرف بخرد و دل کرد!

خیانتکار کسی است، که قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رساند، آن را مطابق " موازین شرعی " اعلام کرد و به اجرای آن دست زد، ولی زیر فشار ارتجاع و منافعان کلان زمین داری تسلیم شد، از مواضع خود دست سست و قانون را ملغی نمود!

خیانتکار کسی است، که می داند که بدون بازرگانی خارجی دولتی و کنترل دولتی توزیع داخلی و تقویت تعاونی های واقعی و نظارت بر شبکه توزیع خرده نمی تواند از غارتگری ترور - یست های اقتصادی جلوگیری کند. آری، این راهی دانید و آن را در اصل ۴۹ قانون اساسی تصویب کرد باید ولی به آن عمل نمی کنید.

خیانتکار کسی است که اصل ۴۴ قانون اساسی را، که می تواند بند به دست کلان سرما - یه داران و بزرگ مالکان بزند و ثروتهای عمومی را در خدمت خلق به کار بیندازد به مورد اجسرا نمی گذارد!

خیانتکار کسی است، که شعار " آزادی " داده، عطشان خلق زیرستم شاعی را برای یک زندگی آزاد و مرفه تأیید کرد و از این طریق اعتماد خلق را بدست گرفت و اکنون که حاکم شده مواضع کلیدی را، که می توانست به کمک همان خلق حفظ کند و در خدمتش به کارگیرد، دوباره در اختیار ارتجاع، در اختیار اذناپ آمر - یگا، در اختیار افسران ساواکی قرار داده و سیا و انجلیجنت سرویس را بر جان و مال مردم مسلط ساخته است!

خیانتکار کسی است، که این چنین جو بیخ و وحشت را در بین زحمتکشان و مردم کوچک و خیابان برقرار کرده که دست خفقان شاهنشاهی را از پشت بسته است! خیانتکار کسی است، که حتی در شکنجه گری هم فرزند خلف محمد رضا شاه از آب درآمده! باید مطمئن بود، زحمتکشان میهن ما هر روز بیشتر کوس رسوائی خائنین به انقلاب را به صد ابر خواهند آورد.

حکم زحمتکشان و تاریخ!

آری خیانتکار نه آنانند، که اهداف خلق را محترم می شمردند و می شمردند، بلکه آنهاست، که به این اهداف پشت کرده اند و به نام " اسلام عزیز " چیزی بدتر از حاکمیت ۲۵۰۰ ساله را برای خلق به ارمغان آوردند، و آنهاست که دست امپریالیسم را در اقتصاد و بازرگانی کشور هر روز بیستیر و بیشتر باز می کنند و به نوای امپریالیستی خوشتر قصی می کنند!

این است حکم خلق زحمتکش و تاریخ!

اعلام جرم علیه جنایتکاران شکنجه گر دژخیم ننگت باد!

بقه ا رصفحه ۱

گزارش ها ملك راست و کینه راست آویزان شده است. گوشه سمت راست دهان، به علت فلج بودن عضله قسم راست لب، بسته نمی شود. همچنین چشم راست، به سمت راست متمایل شده است. در فیلم به روشنی مشاهده می شود، که در اسر این صدمات براف دهان، نه بخاطر تزریق و یا خیزاندن در اعصاب سبورولسیک بسدت جریان دارن در گوشه سمت چپ دهان جمع می شود، به نحوی که شکنجه گران مجبورند برای پاک کردن بزای دهان در ورین را با صورت مریانی خود به سمت بالا حرکت دهند تا بتوانند به دور ازظار تا شان، براف دهان را پاک کنند. همچنین طبق همین گزارشها سانه راست رفیق ثباتوری در عیاشها سبب به سانه چپ، جدیده سا - نیمر باین تر فرار دارد، که می تواند دال بر طبعی دست راست نیز باشد. طبعی ای راست هم مضمّن است. سایان توجه است، که رفیق ثباتوری در تمام طول مدت " مصاحبه " که حدود نیم ساعت طول می کشد، علاوه سنج تغییری در وضع نسنستن خود نمی دهد. اسن نکته معن است هم به علت تأثیر داروها و هم طبعی نامل سمت راست بدن باشد.

چونونی پیدایش این از گرفتاری را، پز - سان چنین توضیح می دهند: سه امثال زیر وجود دارد:

۱ - ضربه به سر

۲ - آمبولی چرسی - این آمبولی چرسی می تواند، از

جمله به این صورت ایجاد شده باشد، که در اثر ضربات، ملاء سلاق، بافت چربی صدمه بخورد و در نتیجه دوباره یاخته های چربی، ساره بسود و چربی به درون خون راه یابد. این فطرات چربی وارد شده به دستگاه گردش خون، مویرگ ها را مسدود می کنند. اگر ایسن مویرگ های مسدود شده مویرشهای مغزی باشند، فلجی عضلات ایجاد می شود. اگر مویرگهای قلب باشند این فارتکوس ایجاد می شود و باصدمات مسابهی به اعصاب دیگر بدن وارد می شود.

۳ - سومین امکان ایجاد این فلجی، می تواند به علت تزریق آمول هوا در رک باشد! این سیوه که در زندانهای ایران از زمان رضا خان معمول بوده است نیز موجب آمبولی حباب های هوا در مویرشها می گردد و صدمات مسابهی همانند آمبولی چربی ایجاد می کند.

مردم زحمتکش ایسرا - ن! شما هم با ما از جمعیت هلال احمر ایران به طلبید که امثال ملاقات پزشکان بی طرف بین - المللی را برای معاینه شکنجه سدگان ایجاد کنند! جمعیت صلیب سرخ بین المللی! از دولت ایران بخواهید به گروه تشکیل شده پزشکان و حقوقدانان اجازه بازدید از زندان و معاینه سنج سدگان را بدهد!

مردم سراقتمند جهان! دست جنایتکاران شکنجه گر را از جان فرزندان راستین میهن کوتاه سازید!

تشکیل کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱

پس از استماع این گزارشات، فیلم این با -
 صلاح " اعترافات " بنمایش گذاشته شد .
 آثار و علائم شکنجه و استعمال دارو در چهره‌ها
 و رفتار زندانیان این جنایت فجیح ، بهت‌آور
 بود و بنحو خیره‌کننده‌ای منطبق با علائم پس از
 استعمال مواد شیمیایی و داروهای مسخ‌کننده
 بود . کلیه پزشکان حاضر در جلسه پس از مشاهده
 دقیق فیلم مربوط به " اقرار بر " رفیق نورالدین
 کیانوری ، و مقایسه آن با فیلمی از ایشان که در
 مناظره تلویزیونی با آیت‌الله بهشتی در اوایل
 سال ۶۰ سرکوت کرده بود، متفق القول بودند
 که قسمتی از صورت وی فلج شده است . علائم
 استعمال داروهای مختل‌کننده حواس در سایر
 زندانیان با کمال وضوح مشهود بود . حقوق‌دانان
 عضو هیئت نمایندگی اسپانیا ضمن خاطر نشان
 ساختن شباهت سیه‌های " اقرارگیری " معاملات
 فعلی جمهوری اسلامی با رژیم دیکتاتوری فاشیست
 و اینکه آزاد بخوانان اسپانیایی توانسته‌اند
 حتی در همان سالهای رژیم فرانکو به مدد
 همبستگی جهانی، برای زندانیان سیاسی حقوق
 اولیه قضایی بدست بیاورند . این حقوقدانان
 متذکر شدند که این " اعترافات " از نظر قضایی
 هیچگونه ارزشی ندارند . زیرا اولاً بدون رعایت
 ابتدایی‌ترین موازین قضایی، یعنی داشتن حق
 وکیل برای متهم و ثانیاً در خارج از دادگاه صاف
 لحه (بدین سخن در کنج زندان اوین) و زیر
 شکنجه بدست آمده است . نماینده " یونان کسه
 از مشاهده فیلم مذکور سردیدار متاثر
 شده بود . ضمن ملاحظه ساختن
 حصار از فعالیت‌های کمونیست‌ها و دمکرات-
 های یونان در دفاع از زندانیان توده‌ای و نظا -
 هرات و راهپیمایی‌های متعدد بنفع این میهن -
 پرستان در آتن و سایر شهرهای انگلستان و حضور
 دائم آنها به نشانه اعتراض و مخالفت با اقدامات
 دولت ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ،
 در یونان ، گفت ما این اقدامات را تسدید می‌کنیم .
 به اعتقاد اعضای هیئت سوئدی فعالیت دفاع از
 زندانیان توده‌ای باید آنچنان وسیع و گسترده
 باشد که تکرار این جنایت در حق آزاد بخوانان
 سایر نقاط جهان را برای سیا و نیگران و فریب-
 خوردگان آنها غیر ممکن گرداند . نمایش
 هرچه وسیعتر فیلم این " اعترافات " ، به‌شابه
 سند جنایت راستگرایان حاکم شده در جمهوری
 اسلامی ، مطلبی بود که اکثریت قریب به اتفاق
 هیئت‌ها به آن تأکید کردند .
 در بحث پایانی پیرامون اقدامات عملی ،
 تصمیم گرفته شد که " کمیته بین‌المللی دفاع از
 زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای دموکراتیک
 در ایران " از اعضای هیئت‌های شرکت‌کننده
 تشکیل شود که مقرر آن در آلمان فدرال بوده و
 برای هماهنگی بیشتر تماس‌های منظم بین کمیته-
 های کشورهای جداگانه ایجاد شود .

نمونه‌های متعددی از مسخ قربانیان " مواد
 شیمیایی " سیا ساخته ذکر نمود و کهنسگی این
 سیه‌ها " امیر الیسم را که هدفش ایجاد یاس و بد -
 بینی در توده‌های خلق نسبت به رهبران انقلابی
 است ، بر ملا نمود . از سالهای قابل ذکر ، فاسی
 آزمایشاتی است که سیا با استفاده از ازال . اس .
 دی . روی گروهی در کشور ژاپن ، در آمریکا
 لاتین ، انجام میداده است و بالاخره از طریق
 تلقین به این قربانیان همه را وادار به خود -
 کسی نمود . و با اصطلاح اعتراف تلویزیونی
 یکی از رهبران جنبش انقلابی السالوادور به
 خطاهایش (البته خطاهای ناکرده !) و در -
 خواست وی از حرکتهای مبارز السالوادوری برای
 زمین گذاشتن اسلحه و پیوستن به " گارد ملی "
 می‌باشد . این سیه‌های جنایتکارانه بطور وسیع
 در جریان جنگ ویتنام از سوی آمریکایی‌ها مورد
 استفاده قرار گرفته و حتی از انسانهای مسخ
 شده در بنایه تزئین داروهای " معجزه گر " ،
 استفاده‌های جاسوسی نیز می‌شده است . در
 گزارش هیئت آمریکایی جمع‌بندی از نظریات
 پزشکان متخصص بی‌هوس و روانپزشکی در مورد
 اسرار داروهای مختل‌کننده سیستم عصبی و
 تغییرات حاصله در حرکات و رفتار قربانیان این
 متدهای " معالجه " ، برای چرخش زبان قر -
 بانی خویشاند طبع در تحمیل ، ترویج تردید .

ایرانی در سایر کشورها دعوت بعمل آورد که در
 تاریخ ۲۱ ماه مه ۱۹۸۳ در سنهردوسلدورف
 آلمان فدرال حضور بهم رسانند . در این جلسه
 علاوه بر هیئت‌های آلمانی و ایرانی، هیئت‌های نیز
 از کشورهای فرانسه ، انگلستان ، یونان ، سوئد
 اسپانیا و ایالات متحده شرکت داشتند .
 در گزارش سیاسی افتتاحیه که از سوی
 نماینده حزب توده " ایران ارائه شد، تحلیلی
 جامع و دقیق از قشرینی جدید حاکمیت که
 مضمون آن تسلیم هرچه بیشتر عناصر و دست-
 بندیهای درون حاکمیت به راستگرایان و مطامع
 ارتجاعی و ضدانقلابی آنهاست ، ارائه شد . برای
 پایه پیش‌بینی شد که موازی با تحکیم حکومت
 راستگرایان تضییعات علیه حزب توده " ایران
 روز افزون میگردد و نه فقط توده‌های بلکه سایر
 نیروهای دمکراتیک مسلمان و غیرمسلمان را که
 قصد حفظ دستاوردهای انقلاب را داشته‌باشند
 ، بر خواهد گرفت . بنابراین دفاع از قربانیان
 این تحولات منفی، وظیفه فوری و عاجل نیروهای
 هوادار دمکراسی و آزادی در سراسر جهان
 می‌باشد .
 ژورنالیست عضو هیئت آلمانی گزارشی در مورد
 استفاده از دارو و مواد شیمیایی بر روی مخا -
 لفین سیاسی ، که در زندان خانه سیا ، اینتلجنت
 سرویس و موساد اختراع شده‌اند ، ارائه نمود . و ی

بیانیه

کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای

بدست آمده باشد، از لحاظ انسانی محکوم و از
 لحاظ حقوقی نیز فاقد ارزش می‌باشد . اعمال
 چنین شیوه‌هایی بیانگر وجود استبداد و اختناق
 از طرف حکومت است . در این کرد‌هایی هم
 چنین تصمیم گرفته شده که در کشورهای فوق‌الذکر
 کمیته‌های مستقل از روزنامه نگاران ، پزشکان ،
 حقوقدانان و سایر شخصیت‌ها ، گسترش یافته
 و از اقداماتی که تا کنون در جهت دفاع از
 زندانیان توده‌ای انجام گرفته ، پشتیبانی بعمل
 آید . همچنین قرار شد تا اقرار عمومی را هرچه
 وسیعتر ، بخصوص از طریق کنفرانس‌های مطبو -
 عاتی ، مطلع سازند .
 خواست‌های فوری کمیته بقرار زیرند ؛
 ۱- منع هرگونه بازجویی از زندانیان ، مگر با
 شرکت وکلای مدافع
 ۲- تشکیل دادگاه‌های علنی با نظارت بین-
 المللی
 ۳- معاینه پزشکی هرچه سریعتر زندانیان ،
 تحت نظارت وکیل سرخ بین‌المللی
 ۴- منع روزه تعقیب نیروهای دموکراتیک در
 ایران و آزادی همه دستگیرندگان

در تاریخ ۲۱ ماه مه ، در سنهردوسلدورف
 آلمان فدرال ، طی یک گرد‌همایی بین‌المللی که
 مرکب از نمایندگان احزاب و سازمانهای دموکرا -
 تیک ، حقوقدانان ، پزشکان و روزنامه نگاران کشور -
 های : آلمان فدرال ، فرانسه ، انگلستان ، یونان ،
 سوئد ، اسپانیا ، ایالات متحده و ایران بود ، کمیته -
 ای بمنظور دفاع از رهبران و اعضای دستگیر
 شده " حزب توده " ایران و سایر نیروهای
 دموکراتیک در ایران تشکیل شد .
 طبق تشخیص پزشکان حاضر در جلسه ونیز
 طبق نظر دیگر شرکت‌کنندگان در گرد‌همایی که
 با مساعده نوار تلویزیونی با اصطلاح " اعتراف -
 فات " دستگیر شده‌ان با وضع زندانیان آشنا
 شده بودند ، احتمال استفاده از دارو به میزان
 زیاد جهت خرد کردن شخصیت قربانیان ، قریب
 به یقین است .
 شرکت‌کنندگان در گرد‌همایی متفقند که احتمال
 اینکه عدای از زندانسان قبل از هرگونه محاکمه -
 ای مقتل رسیده باشند و سایرین نیز بقتل برسند ،
 زیاد است .
 " اعترافات " که با سوء استفاده از دارو

گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

حزب کمونیست فرانسه اتحادیه دانشجویان کمونیست جنبش جوانان کمونیست فرانسه - کنفدراسیون عمومی کار (ا.ت.ت) سندیکای ملی آموزش عالی اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه کمیته جوانان برای صلح و همچنین در این رابطه روزنامه اومانیتته ارمان حزب کمونیست فرانسه در شماره ۱۹ خود خبر برگزاری میتینگی در صحن دانشگاه و بدنبال آن انجام تظاهراتی بوسیله تعداد زیادی از دانشجویان را درج نمود.

شکنجه گران در صددند بمنظور پرده پوشی بر راز این نمایش حیوانی، قربانیان خود را تا بد خاموش سازند

هفتمین شنگره حزب کمونیست نارگری سوئد که راستگرا هم برگزار شده، بنسایت اعلام انحلال حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه کارکنان حزب و بازداشت تعداد بیست و نه عضو آن قطعنامه ای اعتراضی در این زمینه بتاريخ ۲۲ ماه مه با تفاق آرا بتصویب رساند. متن آن چنین است:

"جرم حزب توده ایران اینست که طی تاریخ چهل ساله اش راسخترین نیروها در سارره برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور بوده است و جمهوری اسلامی مجازاتی علیه این جرم تعیین کرده نه عبارتست از: غیرقانونی کردن فعالیت حزب، زندان، شکنجه و تعقیب گسترده نادرها، اعضا، هواداران و سایر نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرستی که به آنان برچسب توده ای زده می شود.

پس از پخش صحنه های بس حیرت انگیز "اقاریر" که بکلمه متدهای دقیق شکنجه های جسمی و روانی کسب شده است، اکنون شکلی باقی نمی ماند که جان رهبران حزب سدیدا در خطر است.

شکنجه گران در صددند که بمنظور پرده پوشی بر راز این نمایش حیوانی، قربانیان خود را برای اید خاموش سازند. ما نمایندگان احزاب و سازمانهای برادر که بعنوان میهمان در این کنفرانس حضور داریم، فشار و تفتیقات وارده به حزب توده ایران را که "متضادا کلیشه موازین حقوقی و ارزشهای انسانی می باشد - یداً محکوم می کنیم. ما رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی را با حزب توده ایران، برناممه طراحی شده امپریالیسم آمریکا میدانیم که هدف نهائی آن فراهم کردن زمینه برای برآمدن - استن جنگ صلیبی علیه اتحاد شوروی و ناپسودی صلح جهانی می باشد. ما از جمهوری اسلامی میخواهیم که:

- ۱- بدون درنگ با اعمال سرکوبگرانه بر علیه حزب توده ایران پایان دهد.
- ۲- به کمیته بین المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان اجازه داده شود که در مورد رفتار ما مورین رژیم قدیم بازندان اینان تحقیق بعمل آورد.

ایتالیا

روزنامه اونیبا خبری درباره ملاقات انتونیو روسی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و رئیس شعبه بین المللی آن حزب با نمایندگان حزب توده ایران در ایتالیا منتشر کرد.

می باشند. در زیر بخشهایی از نامه جمعیت آلمانی هواداران صلح در کارلسروهه از نظر خوانندگان "راه توده" می گذرد:

"ما با نگرانی و تأثر، رفتار مقامات امنیتی ایران با اعضا در بند حزب توده ایران را تعقیب می کنیم و "اقاریر" اخذ شده از این مبارزین در زیر شکنجه های وحشیانه را توهینی به افکار عمومی بین المللی تلقی کرده و آن راسلحی کهنه و ارتجاعی می دانیم. ما که پیروزی انقلاب در ایران و تحولات بعدی آنرا همواره با علاقه دنبال کرده ایم، نمیتوانیم در برابر این جنایات



سکوت اختیار کنیم. از نظر ما رفتار مقامات جمهوری اسلامی با این قهرمانان پیکار بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه، ضد بشری و شرم آور است. توجه داشته باشید که رفتار اینچنانی شما با مبارزین در بند توده ای، که نظر همه دموکراتهای جهان را بخود جلب کرده است، چگونه به حیثیت جمهوری شما لطمه وارد ساخته و خاطرات پیگرد های پلیسی دوران حکومت شاه را در انسان زنده می سازد. این متدها بنفع دولت شما نیست! بنابراین هر چه زودتر در خاتمه دادن به شکنجه ها و آزادی این افراد اقدام کنید! نامه فوق از طریق سفارت ج ۱۰۱۰ به مقامات مسئول کشور ارسال گردیده است.

در نامه اعتراضی "سازمان ضد فاشیستها" پس از ابراز نگرانی بخاطر دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران آمده است:

"هماگونه اطلاع دارید، سازمان ما در برگیرنده قربانیان فاشیسم هیتلری می باشد. بسیاری بقیه در صفحه ۵

آنتونیو روسی بنام حزب کمونیست ایتالیا اقدامات تفضیق آمیز مقامات ایرلی را که حزب توده ایران را منحل اعلام کرده و رهبران آنرا بازداشت نموده اند، شدیداً محکوم کرده و همبستگی کمو - نیستهای ایتالیا را با اعضا و رهبران حزب توده ایران که به زندان افکنده شده اند، ابراز داشت.

نمایش "اقاریر" اخذ شده در زیر شکنجه توهینی به افکار عمومی جهان است

از جمله سازمانهای دموکراتیک و مترقی که بر علیه دستگیری و شکنجه های وحشیانه رهبران و اعضا حزب توده ایران، با اعتراض وسیعی دست زده اند، شعب مختلف "جمعیت آلمانی هواداران صلح" و "اتحادیه ضد فاشیستها"

گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۴

از اعضا این سازمان، در این دوران در روند آنها و بازداشتگاهها بسر برد هاند . در آن زمان، اولین پیگرد هاجند هفته پس از به قدرت رسیدن فاشیسم در آلمان، در فوریه ۱۹۳۳، بچرم دروغین آتش زدن رایشستاک بوسیله کمونیستها، بر علیه آنها آغاز شد و کمونیستها اولین قربانیان فاشیستها بودند . و همانگونه که بعد ها با ثبات رسید، این آتش سوزی را خود فاشیستها بر راه انداخته بودند، تا با این بهانه به تعقیب کمونیستها بپردازند .

تاریخ بما آموخته است، که کمونیستها در همه نقاط جهان، بیکرترین و وفادارترین مبارزین راه آزادی بودند و کمونیستهای ایران همیشه در کشورشان بر علیه جور استبداد مبارزه کرده و بر علیه رژیم سفاک شاه در صف اول رزمیده و در راه قربانیان فراوانی داده هاند .

تعقیب و آزار کمونیستها در ۱۰۱۰ به محو هر گونه آزادی خواهد انجامید و تنها به نفع نیروهای استبداد است که دراز بین بردن دستاورد های انقلاب و تبدیل دیاره کشور به پایگاه آمریکا، ذینفعند .

فستیوال جوانان در آلمان فدرال:

عرصه ای برای همبستگی با حزب توده ایران

در روزهای یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۳ ماه مه شهر در تموند آلمان فدرال شاهد نمایش بسیار تنوعی از اراده جوانان این کشور در دفاع از صلح، دموکراسی، دوستی ملل و همبستگی بین المللی بود . بیش از ۲۵۰ هزار نفر با شرکت در فستیوال جوانان ۸۳ که از سوی " سازمان کارگران جوان سوسیالیست آلمان " و " اتحادیه دانشجویان مارکسیست - اسپار تاؤیس " دد و روز متوالی این فستیوال را به عرصه دیگری از نبرد مردم کشورهای سرمایه داری علیه غارتگری و زورگویی و جنگ افروزی انحصارات امپریالیستی تبدیل کردند . این فستیوال در عین حال، نشانگر همبستگی استوار نیروهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی بود . دهها گروه و سازمان و حزب کمونیستی و مارگری مرقی از سراسر جهان با شرکت در این جشن با تکیه اراده راسخ خود را به اتحاد در مبارزه علیه امپریالیسم و بسرای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی به منصفه ظهور رساندند .

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال نیز با شرکت فعال در این جشن، در کنار سایر نیروهای ضد امپریالیستی و مرقی سوسیالیسم را در برگزاری هرچه باشکوهتر فستیوال جوانان ایفا کردند . علاوه بر این، در این جشن فعالیت

افتار عمومی جهان هراسی ند آرند، چرا به هیأت های متعددی که آمادگی خود را برای سفر به ایران اعلام کرده اند اجازه ورود به ایران رانی دهند ؟

یکی از جلوه های همبستگی بر توان بین المللی با حزب توده ایران، سخنان پر شور رفیق هریرت میس صدر حزب کمونیست آلمان در دفاع از حزب توده ایران بود . رفیق هریرت میس که در حضور صد ها نفر از شرکت کنندگان در جشن به سئوالات حضار پاسخ می داد، در پاسخ پرسشی گفت:

" اولاً باید تأکید کنم که حمایت قاطعانه، بگیری و نامحدود ما از حزب توده ایران و همچنین همه نیروهای چپ ایران که تحت فشار و تضييق هستند بقوت خود باقی است . در رابطه با انقلاب ایران نیز، ما از آغاز این انقلاب با توجه به ماهیت ضد امپریالیستی و دموکراتیک آن پشتیبانی بعمل آوردیم و امیدوار بودیم که این انقلاب پیروز شده و با هدا افخود برسد . متأسفانه اخیراً حاکمیت ایران روز بروز نیروهای نفوذ بینشتری پیدا می کنند که بجای بر آوردن خواستهای مردم، در دشمنی گور خود با کمونیسم پیرو و آشنگستن شده هاند، و این به روند انقلاب جهانی زیان می رساند ."

این سخنان با ابراز احساسات پر شور و شعارهای " زنده باد همبستگی بین المللی " استقبال گردید .

بقیه در صفحه ۱۶

تبلیغی و دفاعی وسیعی بظهور جلب حمایت هر چه گسترده تر بین المللی از حزب توده ایران و انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران انجام گرفت و با بازتاب بسیار مثبتی نیز مواجه شد . هزاران نفر از شرکت کنندگان در جشن با امضا کردن فراخوان احزاب کمونیستی و مارگری در دفاع از حزب توده ایران و برای آزادی رفیق نورالدین نیانسوری دبیر اول کمیته مرکزی و سایر رهبران و اعضا دستگیر شده حزب توده ایران و رفع تضييقات از نیروهای مرقی ایران، این خواسته ها را تأیید نمودند .

نکته دیگری که در مرکز توجه همه شرکت کنندگان در جشن که همبستگی خود را با حزب توده ایران نشان دادند قرار داشت، تأکید بر خواست عنوان شده توسط دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران مبنی بر صدور اجازه از طرف مقامات ایران برای سفر یک هیأت ناظر، بیطرف و بین المللی متشکل از حقوق دانان و پزشکان متخصص و وارد در امر سنجش های جسمی و روانی، ملاقات این هیأت با اسرای توده ای و روشن شدن چگونگی دریافت باصطلاح " اعترافات تلویزیونی از قربانیان این توطئه شوم بود . شرکت کنندگان در جشن می برسیدند اثر حاکمیت ایران از افشا شدن در پیستاه مردم ایران و

۷ پزشک متخصص و یک حقوق دان آمادگی خود را برای بازدید از زندانیان توده ای و شرکت در دادگاههای علنی آنان اعلام داشتند

حد اقل مواد لازم غذایی و کتلهای دارو - ابتدائی ترین حقوق فردی ساخته شده از بسبب مجامع بین المللی، اطمینان حاصل کنند . این هیأت، سپس آمادگی خود را برای عریمت بایران، در تاریخ بیست و پنجم ماه مه اعلام داشته و تقاضای کسب اجازه ورود بایران و بازدید از زندانیان را دارد . امضا کنندگان نامه بقرار زیرند:

- دکتر ن . آکارین، متخصص اصحاب
- دکتر ف . سولر، سناتور سابق بارسلون
- دکتر آ . میرادا، نایب رئیس سابق مجمع پزشکان
- دکتر م . بروخی، رئیس آکادمی پزشکی
- دکتر س . دکوشوس، مدیر انستیتیوی پزشکی زنان
- دکتر خ . کورومیناس، استاد دانشگاه بارسلون
- دکتر خ . کورولا، دارنده سابق کرسی دانشکده پزشکی
- دکتر ف . کونزالس ساستره، دارند فکری دانشکده پزشکی
- دکتر آ . پوئیگورت، مدیر انستیتیوی تخصصی کلیه و مجاری ادرار
- لویس سالوادورس ورداسکو، وکیل دعاوی

بارسلون - هیأتی مرکب از ۷ پزشک متخصص، یک سناتور، یک استاد دانشگاه و یک وکیل دعاوی سرشناس در نامه ای به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران ارسال داشته اند، پس از ابراز نگرانی از پیگرد رهبران و اعضا حزب توده ایران، مینویسند:

" از بازدید از این افراد بیش از ۱۰۰ روز میگذرد، بدون اینکه در این مدت از آنان خبری در دست بوده و بایسان امکان استفاده از حقوق قضائی داده شده باشد - اطلاع از مسأله " اعترافات " ما را سخت نگران ساخته است - ما به تأثیرات خطرناک زندان انفرادی طولانی و انزوی محض واقف هستیم و متدهائی را که هنوز بعقاس گسترده ای در مورد زندانیان اعمال میشود و مردم اسپانیا، در دوران فاشیسم فرانکو طعم زجر آور آنرا چشیده هاند، می شناسیم و از طریق نشریات کشورمان مرتباً در جریان اخبار مربوط به بازداشت شدگان هستیم - ما از دولت جمهوری اسلامی ایران میخواهیم که به هیأتی مرکب از حقوق دانان، پزشکان و روانپزشکان اجازه ورود به ایران و بازدید از زندانیان را بدهد تا بتوانند وضع آنان را از نظر جسمی و روانی و حقوقی بررسی نموده و از برخورداری آنان از

نامه سرگشاده یک حقوقدان آلمانی به مقامات جمهوری اسلامی ایران

یت های ناشی از آن را به عهده گرفت . جهت اطلاع خوانندگان " راه توده " متن کامل نامه کارل هاینتس وایدن هامر را در زیر می آوریم :

" هنگامیکه بد نیال درگیریهای شهرماینس، عده های از دانشجویان ایرانی ، روانه زندان شدند بی درنگ تصمیم به دفاع از آنان گرفتم؛ زیرا معتقد بودم، زمینه این برخورد های خشن ، رابطه مستقیم با انقلاب ایران دارد و یک دستگاه عظیم تبلیغاتی ، از رادیو و تلویزیون و مطبوعات گرفته تا سیاستمداران محافظه کار ، پلیس ، دستگاه قضائی و ضد انقلابیون فراری همدل و همزمان بر علیه روند پرمشقت و ایثار انقلاب ایران به لجبازی پراکنی برداخته و وقایع ماینس و گیسن ، تنهائی به انهای بیش نبود . فکر می کنم که با برخورد همبستگی و انتقاد خود نسبت به انقلاب ایران این اجازه را داشته باشم که در مورد جریانها تا اخیر کشور شما ، بد و روز شک و شبیه ، مواضع مخالفی اتخاذ کنم . طی چهار رسالی که از نیروی انقلاب در ایران میگذرد ، برای العین دیدم که نیروهای مترقی آلمانی و ایرانی ، بخصوص حزب توده ایران ، در مقابل این روند ، موضع اتحاد - انتقاد داشته و تحت جو فشار تبلیغاتی گسترده و بی نظیری که علیه انقلاب ایران دامن زده میشد ، سعی میکردند موضع صحیح روشنگرایانهای در این مورد ، چه در ایران و چه در خارج ، داشته باشند . اعضا و هواداران حزب توده ایران ، مدافعین خستگی ناپذیر روند تحولات تاریخی عظیم کشورشان در خارج ... و همچنین علیرغم وسعت پیگرد ، در داخل بوده و هستند . ولی جریانهای یکسال و نیم اخیر نشان داد که چگونه دشمنان انقلاب موفق به جلوگیری از اجرای اصلاحات سازنده گردیده اند . آنچه را که محافل پیرامون بازرگان و سپس بنی صدر موفق با انجام آن نشدند ، راستهای افراطی و نیروهای ارتجاعی با نقاب اسلام بمرحله اجرا در آوردند . درحالی که کارگران ، دهقانان و بطور کلی زحمتکشان ، در اثر جنگ تحمیلی فرسوده میشوند و تجار بزرگ با بازار ، کارفرمایان و بزرگ مالکان ، همچنان به استثمار آنان ادامه میدهند ، صاحبان شر و تدر کالبد نمایندگان خود در مجلس در دستگاہی امنیتی و قضائی و در کلیه نهاد های دولتی دیگر دست به سازمندی زده و قدرت سیاسی و اقتصادی خود را تثبیت و تحکیم میکنند . درحالیکه طرفداران سابق شاه و ساواکیهای قدیمی ، گروهی از زندان آزاد و به " اسلام " میگردند ، آن بخش از نهاد های امنیتی ، ویژه سرکوب کمو - نیستها با استرکتور دست نخورده ، دوباره به کارگمارده میشود و فراریان به کشور بازگشته و

اعترافات " پی به عمق جنایت مرتکبه برده بود ، نگرانی عمیق خود را از شکست احتمالی انقلاب ابراز داشته ، خطاب به مسئولین جمهوری می نویسد : " شرم آور است که در روق و کنایه های خبیث جمهوری اسلامی ، متدهای شکنجه ساواک ، به عنوان مظاهر پیروزی بزرگ انقلاب ، دیده می شود ، در حالیکه این اعمال در حقیقت سند محکومیت آتایان و مرگ انقلاب می باشد . اقتار عمومی در ایران و جهان ، به ماهیت چنین " اعترافات " واقف است ... "

کارل هاینتس وایدن هامر ، همان وکیل مدافعی است که در زمان حمله گروهک های ضد انقلاب ساواک به هواداران انقلاب ایران در آلمان فدرال ، وظیفه دفاع از دانشجویان مسلمان هواداران انقلاب و دیگر هواداران انقلاب ، در مقابل خطر اخراج از این کشور و دیگر محدود -

توطئه سوم " اعتراف گیری " عمال سیا و جار و جنجال تبلیغات ضد توده های و شوروی ستیزی که از طرف مقامات جمهوری اسلامی ایران بسرا راه افتاده است ، با اعتراض شدید افکار عمومی جهان مواجه شده است .

موج همبستگی احزاب کمونیست و کارگری ، سا زمانها و شخصیت های مترقی جهان با حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود گرفته و جنایت انجام شده در حق رهبران حزب توده ایران بسدت محکوم میگردد .

کارل هاینتس وایدن هامر که یکی از وکلای مترقی آلمان فدرال است ، از جمله شخصیت هایی است که در نتیجه روشنگریهای حزب توده ایران پی به ماهیت ضد امپریالیستی مردمی انقلاب ایران برده و همواره از آن دفاع کرده است . کارل هاینتس وایدن هامر که با مساهده نمایش مسخره

سخنی درباره ایجاد "وزارت اطلاعات"

آستارتر و محسوس تر می شود . همین اخیرا گفته شد که جنگ روانه صدها میلیون مخارج دارد . طبیعتا ، این مخارج وضع مردم را که در جنگال بیثاری گرفتارند ، بیش از همیشه غیر قابل تحمل کرده است . از یک طرف در نتیجه جنگ نیرو - تمدن و تان سرمایه داران ، هرروز بحساب مردم ، میلیونها به جیب می زنند ، و از طرف دیگر گروه گروه فرزندان همان مردم محروم کشته می شوند . این بیلی از دلایل اصلی است که باعث شده مردم دست به اعتراض بزنند .

عدم اجرای اهداف انقلاب ، انحراف از اصول قانون اساسی ، محدود کردن آزادی های مردم ، دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ، و بازگرداندن سلطه امپریالیسم به اشکال مختلف ، چهره بسیاری از مقامات را برای مردمی که برای مدت طولانی به آنها اعتماد کرده بودند ، افشا کرده است .

در چنین شرایطی است که وزارت اطلاعات با هدف مقابله با مبارزه مردم بخاطر احقاق حقوق خود و تحقق اهداف ضد امپریالیستی و مردمی ایران تشکیل می شود . آنها بیلی که خود را مسلط به اوضاع می بینند ایجاد این وزارتخانه را اعلام کرده اند . طبیعی است که قیل از اعلام تشکیلات این وزارتخانه ایجاد شده بود . استفاده دولت از عوامل ساواک علیه اعضا و رهبران حزب توده ایران نشاندهنده این واقعیت است که کارشان ساواک نه تنها در فعالیت های ایمن وزارتخانه شرکت دارند ، بلکه بمنظور تحقق اهداف توطئه آمیز راستگرایان در جمهوری اسلامی ایران و خفه کردن نیروهای انقلابی واقعی نیز بکار گرفته شده اند .

بگزارش روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ، مجلس شورای اسلامی لایحه ایجاد " وزارت اطلاعات " را تصویب نمود .

علت ایجاد وزارت اطلاعات در این زمان ، که پنجمین سال پیروزی انقلاب آغاز شده است چیست ؟ یکی از علل این امر این است که مسئولین امور از افزایش نارضامتی در میان توده های میلیونی نسبت به دولت جمهوری اسلامی که تا کنون کوچکترین گامی در جهت اجرای اصلاحات بنیادین برنداشته است ، نگرانند . مقامات تا کنون در جهت مشغول کردن مردم بسا سحارهای مبهم و وعده های بی زمینه و بیوجه بسا منظور منحرف کردن اذهان آنها از مسایل اصلی شوا بجهاند . اما آنها می دانند که مردم در جریان مبارزه روزمره خود ، هر روز بیشتر از سوء استفاده مقامات از اعتمادشان ، آناه می شنوند .

مردم می بینند که افسانه حمایت ستاز مستضعفین هدفی جز فریب آنها ندارد . همه ش می بینند که شعار مبارزه با آمریکا در حقیقت همان شعار باقی مانده و محتوی واقعی خود را در عمل از دست داده است . همه س می بینند که دولت نه تنها از نابودی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی حمایت نمی کند ، بلکه سعی دارد آنرا حفظ نموده و قانونی نماید ، بطوریکه هر مبارزه ای علیه استثمار و غارت سرمایه داری گناه و جرم بحساب آید . از طرف دیگر بمنظور مخدوش کردن حقایق و دور کردن افکار عمومی از مسایل اصلی و پیچیده جامعه ما ، حاکمیت جمهوری اسلامی جنگ را با بیگیری شدید ادامه می دهد ، تا بتواند بنحوی فقر ، محرومیت و بیگاری موجود را توجیه کند . نتیجه زیانبار ادامه جنگ روز بروز

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

تروریسم عیان و افسار نسیخته حاکم بر کشور، هیستری ضد کمونیستی عریان و مذبحخانه سالهای اخیر با حدت و شدت روز افزونی جریان داشت و به موج بی سابقه دستگیری جمعی اعضا و رهبران حزب توده، ایران، جرح و صرب و قتل توده ایها در خیابانها و آتش زدن خانه و کاشانه آنان و بالاخره بنار گرفتن سیا - ست ترور و اختناق به ارث مانده از رژیم مطرود پهلوی به صورت انواع وحشیگری و سفاکی های برون وسطائی و اعمال شیوه های فاشیستی بقصد اخذ "اعترافنامه" به منظور غیر قانونی اعلام کردن فعالیت علنی حزب توده، ایران منجر گردید، پدیده نوین و تضاد فی نیست .

رویداد های سالهای اخیر، که اینک بسا ورش سبعمانه به حزب توده، ایران به فطه غلیان رسیده و از مایه های ارتجاعی و فشری نشأت می گیرد، نشانگر آغاز این چرخش طعنی به سوی امپریالیسم و تأسی از ایصال و اسنگتن است، که ضد انقلاب، راسترایسان و عمال امپریالیسم بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی، در قالب "کودتای خزنده" با لجاجت و بیگیری تدارک دیدند. هدف، هموار ساختن راه ادامه نظام منحوس حاکم دوران رژیم منقر شاه، با کلیه عواید ایران بر باد ده آن در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. به بیان دیگر منظور مجریان "کودتای خزنده"، نه از حمایت مادی و معنوی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بهره می گیرند، تحقق آمال انحصارهای چند ملیتی، یعنی احیای کامل بهره کسبی نو استعماری از منابع انسانی و طبیعی ایران و تبدیل کشور به زانده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی و مالا ایدئولوژیک سیستم سرمایه داری جهانی است .

در این روزها، که معامات ریز و درشت جمهوری اسلامی سخت سرگرم تغذیه بلندگوهای ضد کمونیستی در سراسر جهان اند، در توجیه اعمال قبیح "پرونده سازی" علیه حزب توده، ایران، به سیاست "نه شرقی نه غربی" استناد می کنند. ولی مردم ایران شاهد آنند که سیاست "نه شرقی، نه غربی"، عملاً شکل اسلامی سیاست "ناسیونالیسم مثبت" شاه از کار در می آید؛ سیاستی که باید راه را برای بازگشت انحصارهای چند ملیتی، برای سرکوب نهائی هر گونه جنبش، هم در ایران و هم در منطقه، هموار سازد. تنها فرق این دو سیاست در آن است، که اگر شاه سیاست ضد ملی خود را به کسوت ناسیونالیسم آراسته بود، زمامداران ثنوی آن را در پشت حجاب اسلامی از انظار "نامحرمان" پنهان داشته اند .

یک نگاه حتی اجمالی به آنچه در صحنه سیاسی ایران و نیز در عرصه بین المللی می گذرد، می تواند علل و عوامل زمانی زاینده، اوج هیستری

ضد توده ای، ضد کمونیستی و ضد شوروی، نومی کتبی دقیقاً سازمان یافته بدست عمل داخلی و خارجی امپریالیسم را عیان سازد. هنوز چند ساعتی از دستگیریهای جمعی نذشته بود، که دادستان کل انقلاب اسلامی با زیر پا نداشتن ابتدائی ترین موازین قضائی و حقوقی، برچسب از قبل آماده "جاسوسی" را به تقلید از ساواک بنار گرفت. لذا از همان ساعات نخست روشن شد، که یگانه راهنمای مجریان سناریوی "شکار جاسوس"، جلب عواطف و الطاف امپریالیسم و در وهله نخست امپریالیسم آمریکا است. بدینسان بار دیگر مبارزه با حزب توده، ایران به حربه "کسب سرمایه" سیاسی مشکوک تبدیل گردید .

سرکوب حزب توده ایران به قصد دلجوئی از ضد انقلاب و امپریالیسم

آقای مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز تهران، "عضو فقهای شورای نگهبان و سخنگوی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، در تیرته جنایت نومی، به همان حربه کهنه رسوای ساخت آمریکا توسل جست، نه در تاریخ اخیر نهضت جهانی کمونیستی و کارگری، بیوزده در کشورهای رسد یابنده، بارها از مدک آزمایش گذشته و هر بار نیز با شکست مفتضحانه روبرو شده است. وی از جمله از "مداری" یاد برد، که گویا مقادیر اطلاعاتی چهار سال آرتکار سرگرم جمع آوری آنها، برای غیر قانونی کردن حزب توده، ایران بودند، غافل از آنکه حنای آفایان مدتها است که دیگر رنگی ندارد . اکنون در ایران و سراسر جهان کمتر کسی را می توان سراغ داشت، که "مکانیسم" جاسوس تراشی "در سلولهای زندان بنام دادگاههای انقلاب اسلامی" بی خبر باشد . انواع شکنجه های سبعانه و سادیم گروهی از "حکام شرع" به اندازه ای افشا شده، که حتی برخی از مطبوعات بورژوازی "استدلال" حکام ایرانی را زیر سؤال می برند، گرچه عمل زمامداران جمهوری اسلامی را می ستایند و در اشاعه آن از هیچ کوششی دریغ ندارند .

همکاری گسترده و همه جانبه رسانه های گروهی امپریالیستی و بلندگوهای تبلیغاتی جهان غرب و از آنجمله "صدای آمریکا"، "بی بی سی"، "صدای اسرائیل" و نیوز دستگاههای لجن پراکنی تحت نظارت مستقیم سیا، از قبیل "صدای وطن" و "انواع" صدای های آزاد"، دلیل انکار ناپذیر دیگری در تائید نظر ما بیامون ماهیت حقیقی سیاست باصطلاح "نه شرقی، نه غربی" است. مگر نه اینست که وحدت گفتار، نشانگر وحدت کردار است؟ تنها هدف مشترک، تشابه نظر، همسانی آرمان می تواند صفحات گران قیمت روزنامه ها و مجلات ارگانهای

انحصارهای سرمایه داری را در اختیار سران جمهوری اسلامی قرار دهد. اینهمه د و نمونه مشخص در تائید گفتار ما، روزنامه "دی ولت" ناشر افکار ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آلمانی، در شماره ۶ ماه مه ۱۹۸۲ به خوانندگان مزده می دهد، که بالاخره صفت "شیطان بزرگ" از آمریکا سلب و به اتحاد شوروی اطلاق گردید. روزنامه پس از یادآوری اعلام غیر قانونی شدن حزب توده، ایران و اتهامات وارده به آن می پرسد: آیا چرخش (جمهوری اسلامی) در سیاست بین المللی است؟ نویسنده از پاسخ صریح به این سؤال پرمعنا طفره می رود. ولی با خوشحالی فراوان محکومیت کمونیستها و تیره تر شدن هر چه بیسر رو بط بین ایران و اتحاد شوروی را پیش گوئی می کند. او، از اینکه جمهوری اسلامی بسوی "ملحدین کمونیست" که "انترناسیو - نالیست و لنینیست اند" و با اتحاد شوروی اظهار همبستگی می شنند شلیک می کند، سر از پا نمی شناسد .

"دی ولت" برای اینته نقش دولت آلمانی را نیز در این "بازی مفتضحانه سیاسی" یاد آور شده باشد، ماجرای صادق طباطبائی را یاد آور می شود. روزنامه در ارتباط با دستگیری وی در ۸ ژانویه ۱۹۸۲، در فرودگاه دوسلدورف، که مقارن با آغاز تدارک حمله به حزب توده، ایران بود، می پرسد: آیا در چندان وی علاوه بر مواد مخدر، اطلاعاتی نیز نبوده است؟ در این مورد نیز نویسنده "دی ولت" به طرح سؤال قناعت کرده و مضمون اطلاعات نامبرده را فاش نمی سازد. ولی حتی طرح سؤال از جانب روزنامه، وارد به اسرار پست برده نشانگر آنست که زیر کاسه نیم کاسه ای بوده و آقای طباطبائی حامل پیامی دربار "چراغ سبز دادن به آمریکا" بوده است .

چند روز بعد، این بار مجله آمریکایی "نیوزویک" در شماره ۱۶ ماه مه ۱۹۸۲، رضایت انحصارهای آمریکائی را از بیورش در منشانه به حزب توده، ایران و غیر قانونی کردن فعالیت علنی حزب در صفحات خود منعکس ساخت. "نیوزویک" نیز همانند "دی ولت" از اینکه زمامداران ایران مسکورا بجای آمریکا زیر ضربت قرار داده اند، اظهار خرسندی می کند .

هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی کتبی در جمهوری اسلامی با رویداد های عرصه بین المللی چنان گره خورده، که نمیتوان آنرا با توسل به سیاست "نه شرقی، نه غربی"، از انظار توده های زحمتکش میهن ما پنهان کرد. در جهان معاصر دو جبهه متضاد روی در روی هم قرار دارند - جبهه نیروهای ضد امپریالیستی، مبارزین راه آزادی و استقلال و ترقی بقیه در صفحه ۸

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۷

اجتماعی از سویی و نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، دشمنان سوشلند خورده خلیج‌های مظلوم و ستندیده از سوی دیگر - جبهه سیم و یسا بینابینی که زمامداران جمهوری اسلامی ایران مدعی رهبری آنند، وجود نداشته و نمی‌تواند داشته باشد.

جنگ صلیبی آقای ریگان و جهاد ضد توده‌های این آقایان

رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، که در رأس سیاهترین نیروهای ارتجاعی جهان عرض اندام می‌کند، در سفر خود به اروپای غربی، بهنگام سخنرانی در پارلمان انگلیس، نخستین بار در کترین نین جبهه ارتجاع و امپریالیسم دایر به اعلان "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، رسماً اعلام کرد. دکتترین نین در همین حال بیانگر سیاست تجاؤز کار امپریالیسم علیه کلیه کشورهای بود، که در راه آزادی و استقلال اقتصادی مبارزه می‌شوند. چندی پیش رونالد ریگان، طی سخنرانی در برابر اعضای "جمعیت ملی پیروان انجیل" در سهرارلاند (ایالت کلوریدا)، کوشید به دکتترین نین ضد پستی ظاهری مذهبی دهد. وی بی‌شرمانه، ضرورت "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم را با "مبارزه بین خیر و شر، بین عدالت و ناعادلتی" بیوند زد. به ادعای ریگان "شر در جهان معاصر" نه امپریالیسم خونخوار آمریکا، بل اتحاد شوروی و کمونیسم است. او گفت، مادامینه در جهان چنین شری وجود دارد "ما باید طبق فرمان کتاب مقدس و عیسی با تمام قوا در برابر آن ایستادگی کنیم".

رسانه‌های گروهی جهان غرب در تفسیر "دکتترین نین" ضد بشری ریگان که تحت پوشش مذهبی ارائه گردیده نوشتند که او "مؤمنان متعهد" را به جهاد فرا می‌خواند و "جنگ مقدس" را جانشین "جنگ سرد" می‌سازد. در پاسخ به فراخوان رونالد ریگان، "مؤمنان متعهد" در کشورهای عضو ناتو، ماسین‌های تبلیغاتی را به راه انداختند. تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی مقیاس بی‌سابقه‌ای یافت. سناریوی "سید جاسوس" در برخی از کشورهای امپریالیستی روی صحنه آمد. عال‌سیا، اینتلیجنت سرویس، موساد و غیره فعالیت چشکیری را در کشورهای رشد یافته، در جهت اجرای برنامه‌های مشابه شروع کردند. آیا می‌توان همزمانی اوج هیستوری توده‌های ستیزی و شوروی ستیزی در جمهوری اسلامی را با اعلام "جنگ صلیبی" رونالد ریگان تصادفی نامید؟ کتمان این حقیقت با توسل به انواع پراهمین پیش یا افتاده، ناممکن است. آقای مهدوی کنی، در پاسخ به "ایراد" آتانیکه مدعی‌اند، گویا اتهام بی‌شرمانه به حزب

توده، ایران از سالها پیش مبرهن و مسلج بود، اظهار داشت که زمامداران جمهوری اسلامی سرگرم جمع‌آوری "مدارک و اسناد" بود. دند "دبیر جامعه روحانیت مبارز تهران" به چه کسانی پاسخ می‌دهد؟

باید یاد آور شد، که مطبوعات ضد انقلاب که در خارج انتشار می‌یابد و نیز دستگاه‌های سخن پراکنی آن‌ها، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، با الهام از اربابان خونه نغمه "نفوذ" اعضای حزب توده، ایران را در "مقامات حساس" ساز کردند. ناگفته نماند، که مقامات دولتی در دیگر کشورهای "اسلامی" همانند ترکیه و پاکستان هم، در این مدت بیگانه نشستند و گاه و بیگاه "نگرانی" عمیق خود و اربابشان "شیطان بزرگ" را پیرامون به اصطلاح نفوذ حزب توده، ایران، کوشزد می‌کردند.

آقای مرتضی نبوی وزیر مخابرات، در مصاحبه با مجله "پیام انقلاب" درباره سفرش به ترکیه از جمله گفت که در ملاقات با نخست وزیر ترکیه، وی "و انمود می‌کرد که احتمالاً یک خطری از جانب توده‌های ها وجود دارد، ما برای آنها توضیح دادیم "که هیچ گونه "خطری از این جانب نمی‌تواند ما را تهدید کند. آنچه در ایران حکومت می‌کند اسلام است و بس...". (شماره ۵۴، سال ۱۳۶۰، ص ۶۰)

نخست وزیر ترکیه که علناً در امور داخلی ایران (بدون روبرو شدن با اعتراض وزیر متعهد کابینه) دخالت می‌کرد، نگرانی چشمه کسانی را جز اربابان آمریکائی خود می‌توانست بازگو کند؟ ولی اظهارات وزیر مخابرات نتوانست خاطر مبارک "شیطان بزرگ" را آسوده سازد. فشار امپریالیسم از طریق عمال ایرانی و نیز "دول اسلامی دوست" بدرجه‌ای رسید، که آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

"اینکه می‌گویند اینها نفوذ دارند دروغ است". وی سپس افزود: "ممکن است جانی نفوذ کرده باشند که این احتمالش بسیار ضعیف است". (اطلاعات، ۱۷ آبانماه ۱۳۶۱)

هم اظهارات آقای مرتضی نبوی و هم پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی، دلیل قاطع و انکارناپذیری است بر اینکه حزب توده، ایران هیچ‌گونه نفوذی در ارگانهای دولتی نداشته و مالا، نمی‌توانسته از "اسرار جمهوری اسلامی" با خبر باشد. حال چگونه است که چهار ماه پس از اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی، ناگهان پاسداران انقلاب اسلامی و دادگاه‌های انقلاب اسلامی، مدارک و اسناد دال بر "نفوذ" حزب توده، ایران به ارگانهای دولتی را "کشف" می‌شوند؟

رژیم شاه ربع قرن در جستجوی جاسوس شوری بود. اینک نوبت به جمهوری اسلامی رسیده است. با یاری گرفتن از اظهارات زنده یاد آیت الله طالقانی می‌توان گفت، حیرت آور آنستکه در این کشور، هیچ کس، هیچ‌گاه در جستجوی جاسوس آمریکائی نبوده است. این حقیقت هر اندازه حیرت آور هم باشد، قابل درک است. اگر بنا می‌بود که جاسوسان آمریکائی دستگیر شوند، دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی، خیلی از کارهای درجه اول خود را از دست می‌دادند. هزاران وزیر معاون وزیر، مدیر کل، نماینده مجلس، سرپرست بنیاد، استانداری، فرماندار، بخشدار، نماینده امام، امام جمعه، قاضی، حاکم شرع، فرمانده ارتش، زانارمری، سپاه و کمیته بسیج، جهاد و غیره که پس از انقلاب، مانند قترچ بعد از باران روئیدند و برای قبضه کردن اداره کشور زیر پرچم اسلام گرد آمدند، هر کدام مکتب و یسا مکتب‌های اسلامی برای این چنین رزوی تربیت شده بودند. اگر مراجعه به پرونده ساواک و امکان پذیر می‌بود، به آسانی می‌شد، مشاهده کرد که خیلی از آقایان دست‌اندرکار، در اول پیروزی انقلاب و پس از آن گروه - گروه به ایران "صادر" و بلافاصله نیز به مقامات حساس گمارده شدند. بدیهی است که اکثر آنها دارای سابقه "مبارزه" علیه رژیم در صفوف "انجمن‌های اسلامی" در آمریکا بودند. انجمن‌هایی که یا به دست‌عمل سیا براه افتادند و یا بلا واسطه پس از تشکیل تحت نظر سیا قرار گرفتند.

وقتی ارگان سپاه پاسداران می‌نویسد، سید حسن امامی، امام جمعه تهران در زمان رضا شاه (که همپایه حجت‌الاسلام خامنه‌ای در جمهوری اسلامی است)، از فراماسیون‌های بزرگ برد ("پیام انقلاب"، شماره ۵۵، سال ۶۱، صفحه ۹۱) و یا آقای شریحتمداری یکی از سرشناس‌ترین مراجع تقلید، "همکار ساواک و جاسوس آمریکا" و خد متگذار شاه معرفی می‌شود (صبح آزادگان، ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱)، زمانیکه میر غفار سجادتزاد نماینده بستان آباد در مجلس شورای اسلامی که خود از جانب همکارانش متهم به عضویت در ساواک است، در سخنرانی دفاعیه خود، "امام موسی صدر" یکی از مراجعین بزرگ شیعه در لبنان را همکار نزدیک ساواک معرفی می‌کند (کیهان ۱۲ دیماه ۶۰) و یا سپهبد سابق ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک در بازجویی صریحاً می‌گوید حجت‌الاسلام فلسفی (از مبلغین مشهور جمهوری اسلامی) مزد بگیر ساواک و واسطه سازمان با روحانیون قم بود، زمانیکه آقای سید حمید روحانی نویسنده کتاب "بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی" در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند، که بقیه در صفحه ۹

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دن

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۸

امپریالیسم مهره‌هایی را در جامعه روحانیت و مراکز اسلامی و حوزه‌های علمی در مواضع حساس گنجانده تا بموقع خود از آنها بعنوان عامل بازدارنده برای کنترل اسلام استفاده کند (صبح آزادگان، ۱۱ اردیبهشت ۶۱)، چگونگی می‌توان پذیرفت که دامن اکثر حکام کنونی آلوده نیست و یا چگونه می‌توان منکر شده که ملا، سیا در "انجمن‌های اسلامی" فعال در ایالات متحده آمریکا مهره‌های خود را تربیت نکرده است؟ افسوس که نامهای روحانیون وابسته به ساواک و دیگر سازمانهای امپریالیستی توسط رهبری حاکمیت جمهوری اسلامی پنهان نگاه داشته شد تا مردم به حقایق رسوا کننده پی نبرند!

نیروهای ملی و مترقی بارها دربار بکار گرفتن مأمورین ساواک در امور اطلاعاتی جمهوری اسلامی اعتراض کردند و ولی نتیجه چه بود؟ افرادی چون فرد نیت و همکاران دیگر وی که سالیان دراز تجربه همکاری "برادرانه" با جاسوسان آمریکائی دارند و همه بدون استثنا دست پرورده سیا هستند، اداره امور اطلاعات کشور را بدست گرفتند. مضحک آنست که در چنین شرایطی، پیکرز آقای مهدوی کنی در توجیه یورش وحشیانه به حزب توده، ایران، می‌گوید: "خداوند توطئه‌ها را بر ملا ساخت" روز دیگر آقای موسوی اردبیلی اظهار می‌دارد، که گویا "از دیرباز تاریخ، اعمال و نقشه‌های آنانرا قاش ساخته برد".

"خداوند" و "تاریخ" مورد استناد آقایان در مثال مشخص نامبرده، همان ساواک و سیا هستند، که سالیان دراز با فراغ بال به پرورده سازی علیه احزاب و گروههای سیاسی و از جمله حزب توده، ایران مشغول بودند. همسنان "اسناد و مدارک" و "پرورده‌ها" است که اینک مورد بهره برداری جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. همه به یاد داریم که رژیم گذشته نیز "جاسوسی" به نفع بیگانه عده حربه سرکوب نیروهای انقلابی بود.

جاسوسان واقعی مورد لطف و مرحمت دادگاههای "اسلامی"

تطابق عملکرد ارگانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی و ساواک در کلیه مراحل شکار انسانها، شیوه‌های بازجویی، پرورده سازی، روند ظهور در صفحه تلویزیون، همه نشانگر آنست که در این فامیل "وراثت خرق" وجود داشته است. بر پایه همین وراثت فامیلی بود، که عمال سیا در ارگانهای اطلاعاتی با کمک مقامات عالییه،

شرایط آزادی جاسوسان آمریکائی و انگلیسی را یکی پس از دیگری فراهم آوردند.

۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۹ روزنامه خبر محاکمه یک خانم آمریکائی و دو تن از دوستان ایرانی وی را به اتهام جاسوسی به نفع آمریکا منتشر کردند. خانم آمریکائی "آلن سینتیا براون د وایسر" نام داشت. ولی نام دو همکار ایرانی وی تا کنون جز "اسرار دولتی" باقی مانده است. ۲۰ بهمن ماه همانسال دادگاه انقلاب ختم دادرسی را اعلام و رای خود را صادر کرد. در رای دادگاه انقلاب آمده بود که ارتکاب اعمال زیر از ناحیه وی بردادگاه ثابت است:

- ۱- اقدام به شناسائی گروه‌های ضد انقلاب به قصد مرتبط نمودن آنها با عناصر آمریکائی.
- ۲- اقدام به همکاری با یک گروه مسلح به منظور آزاد کردن جاسوس‌های آمریکائی.
- ۳- تلاش در جهت برقرار نمودن ارتباطات رادیویی بین مخالفان دولت، در ایران و عناصر آمریکائی.
- ۴- اقدام به جاسوسی.

در رای دادگاه صریحا گفته می‌شد که "اعمال ارتكابی فوق اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد". در چنین شرایطی آقایان حکام شرع قاعد تا اشد مجازات را طلب می‌کنند. ولی در رای صادره درباره جاسوسه آمریکائی چنین می‌خوانیم: "با ثبوت مجرمیت متهمه، خانم سینتیا براون د وایسر فرزند لوئیز به ۹ ماه حبس تأدیبی با احتساب ایام بازداشت قبلی و هم چنین به اخراج از ایران پس از مدت حبس محکوم می‌گردد". بدین طریق جاسوسه آمریکائی که جاسوسیش برای دادگاه محرز بود ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ دستگیر گردید، ۲۰ بهمن ماه همانسال آزاد و روانه ایالات متحده آمریکا شد. (اطلاعات ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۹). به بیان دیگر حکام شرع محکومیت جاسوسه آمریکائی را به ۹ ماه دوران بازداشت وی محدود کردند.

۱۹ مرداد ۱۳۵۹ خبر دستگیری یک زن جاسوس انگلیسی زینت بخش جراید جمهوری اسلامی شد. روزنامه "جمهوری اسلامی" گفتگوشی پیرامون این جاسوسه با مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران اصفهان بعمل آورد. وی گفت: "خانم مارگارت جین وارل به دنبال تحقیقاتی که برادران سپاه در مورد اعمال و رفتار جاسوسان انگلیس و موساد انجام دادند دستگیر شد. تحقیقات نشان می‌دهد که شخص مذکور برای رسیدن به مقصد پلید خود که همان جاسوسی باشد، به هر عمل خلاف انسانی و اخلاقی دست می‌زده و از طریق نامسروع کارمند آن سست عنصر و بوالهوس ادارات بخصوص

وزارت امور خارجه را برای همکاری جلب می‌کرده است. وی کلیه اخبار و اطلاعاتی را که شیشه‌های جاسوسی اسرائیل و انگلیس و احتمالا آمریکا احتیاج داشته اند ارسال داشته است." (جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد ماه ۱۳۵۹)

بعد ها معلوم شد، که علاوه بر جاسوسه انگلیس و اسرائیل، سه نفر انگلیسی دیگر نیز به اتهام جاسوسی دستگیر شده‌اند و در ساراه فعالیت آنان نیز داستانشا تحویل مردم دادند ولی هنوز مرکب اتهامات جاسوسی افراد نامبرده خشک نشده بود، که دادستان کل انقلاب اسلامی اعلام داشت، که از این افراد رفیع اتهام شده است (جمهوری اسلامی، ۶ اسفند ماه ۵۹).

تبره جاسوسان امپریالیستی در شرایطی جریان داشت، که ارگانهای سرکره، شخصیت‌های منسوب به نیروهای ملی و مترقی را، بدوین کوچکترین دلیل و مدرک به جاسوسی متهم می‌ساختند و جرایمان به گناه و اغفال شده را در کوجه‌ها و خیابانها می‌کنستند.

آزادی سریع و بدوین مجازات جاسوسان آمریکائی و انگلیسی و اسرائیلی، بیانگر وجود شبکه جاسوسی در میان مقامات عالیرتبه دولتی است. "انجمن حجتیه" یکی از این شبکه‌ها است. این انجمن که نقش حساسی در عرصه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده دارد، متعكس کننده جناحی از روحانیست راستگرا است، که تحت پوشش احکام شرعی، "تقدس مالکیت" و احیای مناسبات سرمایه داری وابسته را، زیربنای عملکرد خود قرار داده است.

"انجمن حجتیه" در دوران شاه به عنوان سازمان اسلامی ضدبهاثیت تشکیل شد. روزنامه "صبح آزادگان" در شماره ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۱، "انجمن حجتیه" را، یکی از "آفات انقلاب" نامید و نوشت که رهبران سابق زمان نظیر کافی، شیخ قاسم اسلامی، اشرف کاشی، مناقبتی و حلبی ارتباط نزدیک با نصیری رئیس ساواک داشتند و ساواک انجمن را تقویت می‌کرد. روزنامه خاطر نشان می‌سازد، که حلبی به افراد خود اکید دستور داده بود که هر وقت با مشکلی برخورد نمودند با ساواک منطقه تماس گرفته و مشکل را حل نمایند. "انجمن حجتیه" مولود "اینتلیجنت سرویس" بود، که یعد ها از طریق ساواک به خدمت "سیا" درآمد. همه می‌دانند که عده کثیری از شخصیت‌های درجه اول جمهوری اسلامی در مقام وزارت و وکالت و غیره سالها "افتخار" عضویت در این انجمن را داشتند و یا اکنون نیز دارند.

آقای طیب نماینده مجلس شورای اسلامی که خود زمانی عضویت انجمن را داشت، آنرا متهم به "روحانی‌نمائی"، "سازشکاری" و "تخطئه انقلاب" می‌کند (صبح آزادگان، ۲۸ شهریور ماه ۶۱). آقای علی اکبر پسر و روش وزیر آموزش و پرورش، که به اعتراف خودش مدت ۷ سال عضو انجمن بوده می‌گوید که "خط" بقیه در صفحه ۱۰

من اصلی مردم ایران، متحد شویم!

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۹
تشیلاتی انجمن را با خط حرکت انقلاب یکسان نمی بینم و در متمم اساسنامه انجمن مواردی است که با خط انقلاب سازگار نیست، زیرا خط انقلاب فقط حاکمیت ولایت فقیه است و آنها ولایت فقیه را قبیل ندارند (اطلاعات ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۱).

"انجمن حجیه" زیر کوهی از اتهامات، که کمترین آن همطوری با ساواک و سیا است، چنونه تریاسته نه تنها فعالیت علنی خود را ادامه دهد بلکه در لایه ارثانهای دولتی و نهادها نیز مواضع خود را تحکیم بخشد؟

آنچه ما بر سر مدیم و فقط مشتکی از خسروار است، می تواند تولید درک زرفای نفوذ و اعمسی (نه تخلیسی و ساختنی) اعمال امپریالیسم در حساسترین ارثانهای دولتی باشد. هم آنانند که سجاده و تسبیح بدست، با اثنا به زر و زهر و تزویر، برای کشتن اعمال ضد ملی و ضد خلقی خود، "افسانه جاسوسی" سرهمبندی می کنند تا بدین وسیله به یکی از اهداف امپریالیسم یانکی، یعنی قنعدن کردن فعالیت علنی حزب تبده ایران دست یابند.

چگونه می توان حزبی را که در تمام دوران تاریخ خود، همیشه زیر ضربات سبکین و وحشیانه و تبهمت های رزبانه و پرورنده سازبهای کیدف قرار داشت، چگونه می توانستند رهبران این حزب گفته قادر بوند و نه می توانستند در ارثانهای دولتی نفوذ کنند، متمم به جاسوسی کرد؟

تاریخ حزب توده ایران تاریخ افتخار و سربلندی است!

ما را نیازی نیست که به دفاع از حزب توده ایران در بیستگاه مردم ستم دیده و زجر کشیده میهن بکشید همان به بردازیم. توده های زحمتکش با تاریخ پر افتخار حزب خود، که با خون پاک هزاران شهید با نام و بی نام نگاشته شده، کم و بیش آشنا هستند. دفاع بی قید و شرط از استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی کشور، نبرد بی امان در راه تأمین آزادیها و حقوق د مکتاتیک توده های میلیونی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان، مبارزه بی گیسر و آشتی ناپذیر علیه هر گونه مظاهر استعمار و نواستعمار در هر شطی، خلاصه مضمون عملکرد حزب در چهار دهه اخیر است. آترا که حساب پاک است، از محاسبه باقی نیست. بهیچ سبب ما نه تنها دفاع از خود را زائد می شماریم، بلکه با ارائه مدارک انکار ناپذیر ماهیت توطئه امپریالیستی علیه حزب را فاش می سازیم و متممین واقعی را معرفی می کنیم. ما می کشیم عوامل میثر در سیاست چرخش بسوی "شیطان بزرگ" را بی ثابوی کرده و در محضر قضاوت عام قرار دهیم. ما رنگ خطر را برای آن نیروهائی بسه صدا در می آوریم، که هنوز تحت فشار فزاینده اعمال امپریالیسم سر تسلیم فرود نیامده اند.

وحشتناک این نابینائی سیاسی بر کسی پوشیده نیست. سه دهه پیش از سرکوب نهضت رهایی بخش مردم ایران با حمله به نمونیتها تحت لوای کمونیسیم ستیزی آغاز و با شکست نهضت پایان یافت. با وجود تجربه تلخ تاریخ، امیر - یالیسم آمریکا، موفق شد این بارنیز با مهارت از روحیه ضد نمونیتی بهره برداری کند. تصادفی نیست که، مبارزه با کمونیسیم در ایران، از نخستین روز اوج نهضت انقلابی مردم، در دستور روز نمایندگان عالی رتبه آمریکا در ایران قرار گرفت.

در کتاب شماره ۱۲، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، منتشره از طرف "دانشجویان پیرو خط امام"، تحلیلی از ویلیام سولیوان، تحت عنوان "سند شماره ۹" انتشار یافته، که نه تنها متن آن، بل انتشار آن نیز در خور تأمل است.

کسانیکه با نظرات و استدلالات نظریه پردازان اسلام فقهائی آشنا می دارند، با مطالعه "سند شماره ۹" می توانند به همکاری مؤلف با برخی از تئوریسین های جمهوری اسلامی بسه آسانی پی بربند. در این سند، که تاریخ ۳ فوریه ۱۹۷۸ (۱۴ بهمن ۱۳۵۶)، شماره تهران ۱۶۹۱/۱ دارد و به امضای ویلیام سولیوان رسیده گفته می شود: "نهضت شیعی مذ هبها به رهبری آیت الله خمینی از سازمان یافتگی بهتری برخوردار است و بر خلاف آنچه که دشمنان این نهضت بیان می دارند، اینان با داشتن زمینه فکری خاص، قادر به مقاومت در برابر کمونیسیم هستند."

چنانکه ملاحظه می شود، هنوز یکسال قبل از پیروزی انقلاب "دشمن عده و اصلی" برای نمایندگانه امپریالیسم آمریکا در ایران، مانند گذشته کمونیسیم و کمونیتها بودند. در تحلیلی که آقای سولیوان برای اتحاد تصمیم دربار سرنوست ساه به واسنکتن ارسال داشته بید، اولویت به کسانی داده می سد، که از روحیه ضد کمونیتی زرفتری برخوردار باشند.

آقای سولیوان در "سند شماره ۹" به دولت متبوع خود توصیه می کند که "در ایران امروز به دنبال سازمانهای سیاسی بودن کاری است بیبوده". چرا؟ زیرا، به نوشته وی، اول روحانیون که از سازمان یافتگی بهتری برخوردار قادر به سد راه کمونیسیم اند و ثانیاً، رهبران مسلمان می توانند بسیاری از جوانان مسلمان تحصیل کرده را که فن تبلیغ و سازماندهی را در دانشگاههای اروپائی (غربی) و آمریکائی فرا گرفته اند، به سوی خود فراخوانند.

اکنون که پنج سال و اتدی از گزارش آقای سولیوان می گذرد، هر دو بند نامبرده در آن، یعنی هم مبارزه علیه کمونیسیم با شدت جریان دارد و هم روند جذب "جوانان مسلمان"، که "فن تبلیغ و سازماندهی" را در اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا به یاری "دوستان اسلام" در سیا و غیره آموخته اند، انجام یافته است.

کلیه این مسائل، که پنج سال پیش در گزارش آقای سولیوان مطرح شده، هم اکنون مورد بحث زمامداران روحانی و غیر روحانی در دولت و مجلس شورای اسلامی است. آیا تصادفی است که جمهوری اسلامی مدعی اجرای سیاست "نهضت" در صفاحه ۱۵

خطری که بشکل "کودتای خزنده" متوجه میهن ما است، پیوند نزدیک با روحیه ضد کمون نیستی اکثریت روحانیست در ارد. ضد کمونیسیم سلاح امپریالیسم در مبارزه علیه نهضت های رهایی بخش ملی در همه کشورهای رسد یابنده است. این تئوری نیست، حقیقت تلخی است، که تجربه مبارزه خونین، هم میهن خود ما و هم دیگر کشورها، می آموزد. صد نمونیسیم، مبتلایان به این بیماری خطرناک را در پیرایه زود در آغوش امپریالیسم جای می دهد. تاریخ معاصر کشور ما، شاهد زندهای در تأیید این واقعیت است. امپریالیسم همیشه در حساسترین و سرنوشت سازترین لحظات، توانسته از این بیماری رایج میان شخصیت های با نفوذ، با مهارت علیه آزادی و استقلال کشور بهره برداری کند. این طرز اندیشه تنها ترازوی گذشته نیست، ترازوی حال نیز است. زیرا کمونیسیم ستیزی قابلیت سناسائی و تمیز دوست را از دشمن فلج می کند. دوستان خلق و مبارزین راه آزادی و استقلال به "دشمنان عده" و امپریالیسم و نواستعمار به "یساران صدیق" تبدیل می شوند.

۲۹ مرداد ماه سال ۱۳۲۱، یعنی یکسال قبل از کودتای ششم ۲۸ مرداد، روزنامه "کیهان" خبری پیرامون ملاقات و مذاکرات آیت الله کاشانی با لژی هند رسن سفیر کبیر وقت ایالات متحده آمریکا در ایران منتشر ساخت که در آن گفته می شد: "آقای هندرسن در پاسخ آیت الله کاشانی اظهاراتی کرده و گفتند که استعمار برچیده شده و از بین رفته، ولی باید اقدام شود تا از نفوذ کمونیتها در ایران ممانعت بسه عمل آید...". آیا واقعا نیز استعمار از

ایران برچیده شده و هیچ گونه خطری از طرف استعمار و نواستعمار متوجه ایران نبود؟ آقای هندرسن این "توصیه" را هنگامی مطرح می ساخت، که از توطئه در حال تکوین سیا برای سرکوب نهضت رهایی بخش مردم ایران آگاه بود. در آن ایام مبارزه سرسخت زحمتکشان ایران علیه امپریالیسم، الهام بخش نیروهای ملی و مترقی در سراسر منطقه نفتخیز خاورمیانه و نزدیک بود. امپریالیسم آمریکا که منافع غارتگرانه خود را در منطقه در خطر می دید، بسا تمام قوا در سرکوب جنبش رهایی بخش مردم ما می کوشید. نخستین شرط دستیابی به ایسند هدیه سرکوب کمونیتها، یعنی حزب توده ایران بود. امپریالیسم آمریکا بد رستی می دانست که حزب توده ایران سرسختترین مبارز راه استقلال و آزادی ایران است. بسه همین دلیل سفیر کبیر آمریکا فرمان یورش بسه حزب توده، ایران را صادر کرد.

کودتای ۲۸ مرداد با پول سیا و کمک اعمال امپریالیسم پیروز شد. اعضای حزب توده ایران را روانه سیا هچالها کردند و در برابر جوشه های اقدام قرار دادند، حزب توده ایران را "منجله" اعلام نمودند. بی آمد

آقای محسن رضایی! بازبان چه کسی تکلم می کنید؟

از آمریکا و انگلستان بدتر است؟
گیریم که رژیم جمهوری اسلامی قهرمان مبارزه با حزب توده ایران شد و گوی سبقت را از رژیم آریامهری هم ربود ، جواب خواستهای مردم زحمتکش را چه خواهید داد ؟ به آنها خواهید گفت حزب توده ایران را دوباره " منحل " کردیم ؟ شما که بنابر اعتراف صریح خود ، از ۲ سال پیش مشغول کار منظم " اطلاعاتی " بر روی حزب توده ایران هستید ، آیا مجری قوانین انقلابی و احترام گذار به آن اصول قانون اساسی بودید - آید ، که تفتیش عقاید و تعرض و مؤاخذه دیگر - اندیشان را ممنوع و آزادی احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی را اعلام نموده است ؟ آیا طی این مدت که مشغول کاریستما - تیک جاسوسی بر روی یک حزب قانونی (چرا

فقط جرم جاسوسی بلکه سیاست " سازشکارانه و منافقانه " این حزب نیز هست . و ایکاش که ایشان در همان محدوده سازماندهی کردن عملیات مسلحانه باقی میماندند و وارد " بحث تئوریک " نمیشد ، چرا که درست از همین جا یاره گوییها - بی آغاز میشود که از ۳۰ سال پیش بارها از دهان شاه معدوم و سرهنگ زیبایی و بعد ها ملی نماها و مائوئیستهای آمریکائی بیرون آمده ، تا حقانیت حزبی را که جواز قانونیت خود را ۴۰ سال پیش از توده های محروم و ستکشی میهن ما گرفته است ، بزیر علامت سؤال ببرد . آقای رضائی میکوشد با استفاده از مغز و فرمولبندی " دیگران " با چند جمله در مورد " دادن امتیاز نفت شمال به شوروی " تأیید رژیم شاهنشاهی " و " ارتجاعی دانستن قیام ۱۵ خرداد ۴۲ " توسط حزب و نسبت

پس از هجوم ناجوانمردانه راستگرایان و هواداران بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به محکومین دژ انقلاب یعنی حزب توده ایران و توقیف بخشی از رهبران و هزاران نفر از اعضای حزب و ترتیب نمایشهای تلویزیونی " اعتراضات " در شکنجه - گاههای اوین ، که همه و همه هدف مسخ و نابودی کامل انقلاب ایران را دنبال میکند ، پارامی از مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی از صدقه سر این جنایت هولناک چهچهره بسیار فعالی بخود گرفتند . آقای محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران از جمله کسانی است که این روزها مشغله زیادی دارد . بر صفحه تلویزیون ظاهر میشود ، پشت میکروفن رادیو به بحث می نشیند و چپ و راست با روزنامههای مجاز کشور مصاحبه میکند ، تا به خیال خود چهچهره " حزب منحل توده " را به مردم بهتر بشناساند . در یک کلام ایشان این روزها از " قهرمانانی " است ، که گردوغبار زیادی پسا کرده و مرتب از " شهر " و " از خود گذشتگی " پاسداران در کشف " لانههای جاسوسی " تودهای ها سخن میرواند .



که بگفته مسئولان جمهوری اسلامی این حزب به تازگی غیرقانونی اعلام شده!) بودید ، بدستور بعضی از مقامات مافوقتان پاسداران را بدنبال نخود سیاه نفرستاده بودید تا ساواک چهپنی بازسازی و به خدمت جمهوری اسلامی درآید ؟ آیا شما و دیگر مسئولان قانون اساسی را که بگفته ای محصول خون شهدای انقلاب است ، تکه تکه نکردید ؟ مردم فریب نخواهند خورد هم خودتان را هم فریب ندهید ! رابطه شرافتمندانه حزب توده ای ما را با احزاب و نیروهای ضد امپریالیستی جهان و تاریخ پر افتخار و غرور انگیز آنرا نمیتوان بسا اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته وارونه جلوه داد . حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران دکان بقالی نیست ، که با اشاره مقامات جمهوری اسلامی و اقدامات شما و امثال شما بسته شود . اهداف این حزب از خواسته های توده های میلیونی زحمتکشان میهن ما نشأت گرفته و هم از این روست که این حزب با زحمتکشان پیوندی ناگسستی و در تاروپود جامعه ما ریشهای عمیق دارد . تاریخ این مسئله را به اسلاف شما نشان داد ، و اگر عجله نکنید شما هم نشان خواهد داد !

دادن کودتای مائوئیستی اواسط دهه ۵۰ در سازمان مجاهدین به آن تاریخ پر افتخار حزب توده ایران را به خیال خود به لجن بکشد تا مردم بوی تعفن لجنی را که از قربانی کسردن بهترین فرزندان خلق ، بر تن مسئولان جمهوری اسلامی نشسته است ، احساس نکنند . آقای رضائی ! شما کی تاخیر کرد ماید ! تاریخ خیلی پیش از دعاوی امروزه شما ، این زورقهای چوبین دروغ و اتهام را به صخره محکم واقعیت کوبیده و متلاشی نموده است . شما و همفکرانتان با این گرد و خاک چه چیز را میخواهید ببوشانید ؟ گردش بر راستی را که در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی روی داده ؟ تسلط بلامنازع راستگرایان و قشریها بر ارگانهای دولتی جمهوری را ؟ اینکه دیگر از انقلاب کوخ نغینان صحبتی نیست و بازاریان و سرمایه داران زالو صفت به " استوانه انقلاب " تبدیل شده اند ؟ اینکه دیگر پینه دست دهقانان سند مالکیت زمین نیست و سپاه پاسداران به ابزاری در دست بزرگ مالکان و فئودالها برای باز پس گرفتن زمینها تبدیل شده اند ؟ اینکه شعار مرگ بر آمریکا دیگر شعار اصلی دولت و مقامات جمهوری اسلامی نیست و سپاه روی سفید نوشته میشود که شوروی

فرمانده سپاه پاسداران ، که نیروهای تحت اختیارش طبعاً میبایست در درجه اول حامی انقلاب و مجری قوانین انقلابی و سرکوبگر دشمنان اصلی انقلاب یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم باشند ، روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ، در یک مصاحبه مطبوعاتی به تشریح " فعالیتهای مخفی و جاسوسی " حزب توده ایران میپرد از و میکوشد با توضیح ساختار حزب و ارگانهای رهبری آن (که همگسی در اساسنامه حزب توده ایران تشریح شده و هر کس میتواند آنرا زمانی که کتاب خریدن و خواندن هنوز " جرم " نبود ، تهیه کند) ، خود را قهرمان کشف شبکه های حزبی و ساختمان حزب قلمداد کند ! دعاوی آقای رضائی مبنی بر کشف انبار اسلحه ، چاپخانه مخفی و دستگاههای جاسوسی آنقدر مبتدل و بی پایه است ، که خود ایشان هم به شک می افتند ، که میادا مردم این ادعاهای بیچ را باور نکنند و پیدا شوند کسانی که از خود سؤال کنند اگر توده ایها دارای " انبارهای اسلحه و خانهای تیمی " و " افرادی که در افغانستان آموزش نظامی دیده اند " هستند ، پس چرا حداقل یکی دو جا آثار تعرض و یا مقاومت مسلحانه آنها دیده نمیشود (البته ما نیک میدانیم که راستگرایان و نیروهای مرتجع در پی انجام توطئه دیگری از قبیل انفجار و یا تیراندازی و نسبت دادن آن به توده ایها نیز هستند تا یورش اخیر خود را با یک حمام خون تکمیل کنند !)
خلاصه در اینجاست که آقای رضائی که خود بهتر از هر کسی میدانند توده ایها دارای انبارهای اسلحه نیستند و در خانه آنها جز موشی کباب ، " مدرک جرم " دیگری یافت نمیشود ، شروع به تئوریزه کردن هجوم ناجوانمردانه به حزب توده ایران میکند تا ثابت کند که علت این هجوم نه

"تلاش" مدافعین سرمایه‌داران

رئیس‌جمهور:

" ۰۰۰ مردم ۰۰۰ معتقدند که مسئولین برای محرومان، برای قشرهای ضعیف‌دارند تلاش می‌کنند ۰۰۰"

(نیهان ۱۴ اردیبهشت ۶۲)

اما آقای رئیس‌جمهور! مردم سؤال‌هایی هم دارند:

مردم سؤال می‌کنند، این "تلاش" مسئولین در چه چیز نمایان می‌شود؟

مردم سؤال می‌کنند، آیا واقعا تلاش همه مسئولین به نفع و "برای مستضعفان، برای محرومان، برای قشرهای ضعیف" است و منافع آنها را در نظر دارد؟ اجازه بدهید یک نمونه از این "تلاش" ها را که در همین شماره روزنامه نیهان به چاپ رسیده است، مورد توجه قرار دهیم! در صفحه ۱۹ همین شماره نیهان آقای حبیب‌الله عسگر اولادی، وزیر بازرگانی و مدافع سرمایه‌داران و سرمایه‌داری، مدافع "بازار آزاد"، یلباز دیراز "طرح جدید توزیع برنج" سخن می‌گوید، که باید در "هفته آینده در سراسر کشور اجرا" شود. این "طرح جدید" اینان، که گویا "جدید" است،

عبارت است از اینکه، "وسیله‌نانشیرها در سطح شهر (برنج) توزیع" شود! این طرح، که برای تهیه آن می‌بایستی مغز متفکر یک اقتصاددان "بازار آزاد" به زحمت فکر کردن بيقتد، آنطور که آقای وزیر اعتراف می‌کنند، به این علت تدوین شده و به اجرا گذاشته می‌شود، که "طرح قدیمی" توزیع برنج مورد سوء استفاده "واحد های ۰۰۰ صنفی متخلفی" قرار گرفته است. آقای وزیر مجبور به اعتراف شده است، که "در مرحله اخیر از سوی بعضی از اصناف ۰۰۰ استباهات و یا تحلفاتی مشاهده شده است...". وی خود چگونگی امکان "تحلفات و سوء استفاده ها" را هم معصومانه لرمی دهد و می‌گوید: "ما در آزمایش اخیر که خرید و فروش برنج داخلی را بحسبه اصناف گذاشتیم، ترانسیم واحد های صنفی سالم را از متخلف تمیز دهیم (دستان درد نکنند!) و عد های سودجو فکر کردند، که دولت نظارت خود را از توزیع برنج بردانسته است ۰۰۰" (البته آقای وزیر شکسته نفسی می‌فرمایند! البته که ایشان با سپردن "خرید و فروش برنج به غارتگران عملا، "نظارت" دولت را ملغی کردند و علیه قانون اساسی اقدام فرمودند! این را دیگر همه مردم می‌دانند و داستان زیر با گذاستن قانون اساسی را هر کنجشوی بر سر بام می‌خواند!)

به عبارت دیگر آقای وزیر در "تلاش" قبلی خود دست‌ترویس‌های اقتصادی را در سازمان اصناف، که با طرح دولتی کردن خرید و فروش برنج مخالفت کرده بودند، در امر "خرید و فروش برنج" باز گذاشته بود. حالا که گند شد رآمده

و معلوم شده، که "تلاش" قبلی ایشان نه به نفع "محرومان و قشرهای ضعیف" بلکه "تلاشی" در خدمت غارتگران و ترویس‌های اقتصادی بوده. بیک باره به فکر "طرح جدید" می‌افتد، تا "تلاش" دیگری به ظاهر "برای محرومان" ولی در واقع برای بازگذاشتن دست‌ترویس‌های اقتصادی و ترویس‌های اقتصادی به راه بیندازد.

جناب آقای رئیس‌جمهور، توجه می‌فرمائید! آقای عسگر اولادی "تلاش" کردند و "طرح جدید" آوردند و "خرید و فروش برنج داخلی را بحسبه اصناف" گذاشتند. آقای عسگر اولادی از این "تلاش" خود، و بنا به اعتراف فوق‌الذکر ایشان "درس" هم آموختند، که این شیوه دست‌یک‌عده متخلف، و سوء استفاده‌چی را، همان "ترویس‌های اقتصادی" که معرف حضورتان هستند را برای غارت خلق باز می‌گذارند. و چسبون ایشان مایلند "از تجربیات گذشته که در مرحله آزمایشی آنرا کسب" فرموده‌اند، استفاده کنند، مرحله بعدی آزمایشی را نیز با "طرح جدیدی" آغاز می‌کنند. اما مطمئن باشید آقای رئیس‌جمهور ثانی خواهیید به "مردم" القا کنید، که "مسئولین برای مستضعفان ۰۰۰، تلاش می‌کنند ۰۰۰"، "نتایج" مرحله جدید آزمایشی آقای عسگر اولادی هم همان خواهد بود، که مرحله قبلی آن بوده است!

علت و معلول

رابطه قانونمندان دارند

علت را می‌پرسید؟ علت روشن است! آقای عسگر اولادی، که مدافع سرمایه‌داران است، که "ترویس‌های اقتصادی" از نوع آهن خهرو شیشه خور را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهد، نمی‌تواند راهی را طی کند، که "تلاش برای مستضعفان" باعث این واقعیت را هر انسان معمولی هم درک می‌کند، که منافع غارتگران و متخلفان و ترویس‌های اقتصادی با منافع زحمتکشان در تضاد آشتی‌ناپذیر است. آب "مستخبر و مستضعف" به قول شما، و استثمارگر و استثمارنده به قول ما در یک جوی نمی‌رود! خدمت به "مستضعفان و محرومان" فقط از راه قطع دست غارتگران ممکن است.

برنامه انقلاب:

عدالت اجتماعی

آقای رئیس‌جمهور، عمر زحمتکشان را به هدر ندهید! رژیم شاهنشاهی به اندازه کافی مرتکب این جنایت شده بود! سپردن کار زحمتکشان به دست مدافعان سرمایه‌داری، مدافعان رژیم غارتگر شاهنشاهی

بدون شاه، خیانت به زحمتکشان است. کارگران و دهقانان برای این انقلاب نکردند، که عسگر اولادی ها و توکل‌ها و دیگران بیایند "آزمایش" روی "آزمایش" بکنند و شما این "آزمایش" ها را "تلاش" برای "محرومان و مستضعفان" بنامید و خاک در چشم آنها بریزید. آنها برای این انقلاب کردند که رژیم شاه و پایه‌های غارت کلان سرمایه‌داری و بیزنس مالی را براندازند، و به عدالت اجتماعی دست یابند! شط و آنتهای که برای تحقق این خواست‌ها و برای تحقق عدالت اجتماعی به ضحنه آمده بودید، اجازه ندهید، عمر زحمتکشان، توان زحمتکشان و امید زحمتکشان را به باد دهید و دل آنها را به این خوش کنید، که "مسئولان برای مستضعفان تلاش" می‌کنند. در حالی که می‌دانید، که تا شون هیچ قدم جدی - ای در این راه برنداشته‌اید. برنداشته‌اید، زیرا تسلیم سرمایه‌داران و غارتگران شده‌اید. برنداشته‌اید، زیرا انقلاب را قربانی منافع غارتگران سرمایه‌دار و زمین‌دار کرده‌اید! اگر که واقعا می‌خواهید، "برای مستضعفان" کار کنید، قانون اساسی اصل ۴۹ آنرا اجرا کنید. برای توزیع به نفع زحمتکشان یک راه بیشتر وجود ندارد و آن اجرای برنامه حزب توده، ایران است: دولتی کردن تجارت خارجی، به دست گرفتن تجارت عمده داخلی و شترل دولتی توزیع داخلی!

شوخی نیست...!

دادستانی انقلاب طی اطلاعیه‌های مکرر از اعضای حزب توده، ایران و "هوادران" خواسته است که خود را به مراکز سپاه پاسداران معرفی کنند.

در یک مصاحبه مطبوعاتی، از فرمانده سپاه پرسیده شد که "هوادر" کیست و اینان جوابی ندادند.

در پی این امر، برای خیلی‌ها این سؤال بوجود آمد که بالاخره "هوادر" کیست؟ با صحبت‌های اخیر و ممنوعیت انتقاد برای هر کس که از "مستضعفین" دفاع می‌کند، ما از منابع موثق اطلاع حاصل کردیم که مردم ایران به سه دسته تقسیم می‌شوند: "سرمایه‌داران"، "زمین‌داران" و "هوا" داران! دودسته اول آزادند و در پناه "شرع اسلام" می‌توانند به غارتگری خود ادامه دهند؛ اما "هوا" داران باید خود را معرفی کنند و حق انتقاد هم ندارند!!

چهره‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم در خاک "آلمان"

نشده است. خدماتی نیز که برای زنان ساغل که منتظر فرزندی هستند انجام میگرفت روز بروز کمتر و محدودتر میگردد، از کاهش کمک دولتی گرفته تا

اما مسکن: شهروندان جمهوری دامنرا - تیک آلمان سه تا ۵ درصد از درآمد خود را بابت اجاره به دولت پرداخت میکنند. ۳۴ سال است که در این جمهوری اجاره خانه بابت مانده است. هر سال نیز طبق برنامه دولتی، مسکن جدید ساخته شده و یا خانه‌های قدیمی نو سازی میشوند. قرار است تا سال ۱۹۹۰ مسئله مسکن به عنوان مسئله اجتماعی حل شود. اما در جمهوری فدرال آلمان در این عرصه نیز

در جمهوری فدرال آلمان در عوض والدین کودکان اگر جایی برای فرزند خود در کودکانستان پس از انتظار طولانی پیدا کنند مجبورند ماهیانه مبلغ محتجابی پرداخت کنند. در اکثر شهرهای آلمان فدرال تعداد مربیان به علت کمبود بودجه نامر می‌یابد.

در جمهوری دمراتیک آلمان، زنان حامله میتوانند از استراحتگاههای عمری استفاده کنند. خصوصاً زنانی حق تقدم دارند که تحمل سختی دارند و یا در خانواده بار سنگینی بردوش دارند. این نیز بجز وزن پرداخت حتی ریالی سرای مرضی ۲۶ هفته‌ای دوران حاملگی که حقوق این دوره نیز تماماً به زنان شاغل پرداخت میشود، انجام

پس از پایان جنگ دوم جهانی، بر خرابه‌های فاندیس، علی‌رغم کوششهای اتحاد شوروی و نیروهای دمکراتیک آلمان، د و جمهوری مجزا از یکدیگر، و با نظام‌های متفاوت اجتماعی - اقتصادی بوجود آمدند. جمهوری فدرال آلمان و جمهوری دمکراتیک آلمان، هر کدام از این جمهوری‌ها بنا به شرایط و بر پایه‌های مادی باقی مانده از جنگ، کار ساختمان خود را آغاز و هر کدام در عرصه‌های مختلف پیشرفت‌های چشمگیری را حاصل کردند. جمهوری فدرال آلمان در اردوگاه امیرالیستی به یکی از پر قدرت ترین کشورهای صنعتی - سرمایه‌داری با تمام شاخص‌های آن تبدیل شد. جمهوری دمکراتیک آلمان نیز گسسته میتوان به جرأت گفت به جز خرابی و آوار نصیبی آلمان پیش از جنگ نبرد، با کار طاقت فرسا و زیرگری‌های فراوان زحمتکش آن و تحت رهبری کمونیستهای آیدیده به جمهوری شکوفای سوسیالیستی تبدیل شد. جمهوری دمکراتیک آلمان جزو چند کشور اول صنعتی جهان است که رشد اقتصادی آن همواره سیر صعودی داشته است.

آلمان فدرال سرمایه‌داری، پس از رونق نسبی اولیه، به همان دردی دچار شد که سرمایه‌داری جهانی صد سال است با آن درگیر است. بحران اقتصادی، تورم، افزایش بیکاری و کاهش سطح زندگی مردم و غیره نمودهای آن هستند. در جمهوری دمکراتیک آلمان تمام رشد اقتصادی کشور در خدمت بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم و برخوردار کردن زحمتکشان از تمام موهبات اجتماعی قرار دارد. برای نمونه، جمعیت‌های موجود در چند عرصه زندگی اجتماعی در این دو کشور، که هنوز هم وجود بی‌جمهوری دمکراتیک آلمان، از طرف دیگری، جمهوری فدرال آلمان، به عنوان کشور مستقل نفی میشود، مورد تیس قرار دادیم، تا مسئله ملموس‌تر گردد.

میگویند کودکان سازندگان فردای جامعه‌اند و رسیدگی به وضع آنان فریضه‌ای تاخیر ناپذیر و لذا حتمی و مقدس است.

در جمهوری دمکراتیک آلمان بیش از ۹۱ درصد کودکان قبل از سنین مدرسه، در کودکانستان‌ها و مهد کودک‌ها نگاهداری میشوند؛ بدون اینکه والدین آنها مجبور به پرداخت حتی ریالی باشند و تربیت و نگاهداری از این کودکان را نه مربیان اتفاقی بلکه افرادی که در موسسات آموزشی برای اینکار تربیت شده‌اند برعهده دارند.



میکرید. جالبتر اینکه این "مادران آینده" می‌توانند فرزندان تاشش ماهه خود را نیز همراه ببرند، چه در کنار این استراحتگاهها کودکان مهد کودک برپاست. اما آیا در جمهوری فدرال آلمان نیز وضع بدین منوال است؟ البته خیر؛ تمام کسانی که پس از سالها جایی برای استراحت و معالجه پیدا میکنند باید قسمتی از هزینه را خود پرداخت نمایند و کارگران و کارمندان هر سه سال میتوانند از این موهبت استفاده نمایند. بسیاری از این استراحتگاهها به علت کمبود بودجه تعطیل میگردد و مردم نیز استفاده از آنها به علت گرانی "تحریم" کرده‌اند.

آمار نشان میدهد که ۸۰ درصد شهروندان این جمهوری هنوز پایسان به این محل‌ها باز

وضع بر عکس "کشور همسایه" است. اجاره خانه هر سال طبق قرار داد و قانون افزایش می‌یابد، هیچکس از بیرون ریخته شدن اثاثه‌اش به خیابان در آلمان نیست و دولت دست راستی این کشور که در نتیجه انتخابات اخیر چهار نعل سرگامان سرمایه‌داران می‌تازد، در نظر دارد، اجاره بها، خانه‌ها را نسبت به "تغییر و تحول در بازارخانه" سناور، البته فقط در جهت بالا نگاه دارد.

آری، در جایی که زحمتکش تعیین نشده سر - نوت خود باسد و در جایی غارت سرمایه حکموا باشد، غیر از این نباید انتظار داشت. نمونه

بالاتر از آن کافی آموزنده است.

بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته‌ای

"اگر برای ما اتفاقی افتاد، شما به وظیفه انقلابی خودتان عمل کنید!"

زحمتگان در مقابل عطفه خود و بی‌اندر بودن این بی‌معاصرتان در ما نمودهای هر روز سر به جسم می‌آید.

آری دشمنان حزب طغنه سراسر ایران، حزب سوده اسرار، کور خوانده‌اند؛ بودهای - عه سئو و مسجده سرگرد حزب خود جمع و جمع می‌شود و نماء سودی‌های راه برمی و نجات خصم‌ها را تا سر هسای خود سر خواهد کرد.

زنده بماند حزب سوده اسرار، حزب طغنه کسار اسرار!

می‌شود. اگر برای ما اتفاقی افتاد هر اتفاقی افتاد شما به وظیفه انقلابی خودتان عمل کنید!

آری این است آن "وصی" که نسل گذشته تودهای به نسل جوان کرده است.

آری این است آن "وصی" که یک تودهای آگاه و حاکم بر خود همیشه می‌شند.

اینست آن "وصی" که خراج راهنمای نسل جوان سوده‌های اس و باقی خواهد ماند؛ و نه آنچه که به عنوان "اعتراف" دشمنان شرقی اسرار می‌خواهند به خود ما بدعهد و اربابوری

رفقای ترمای هشت‌حریبه "راه سوده"!

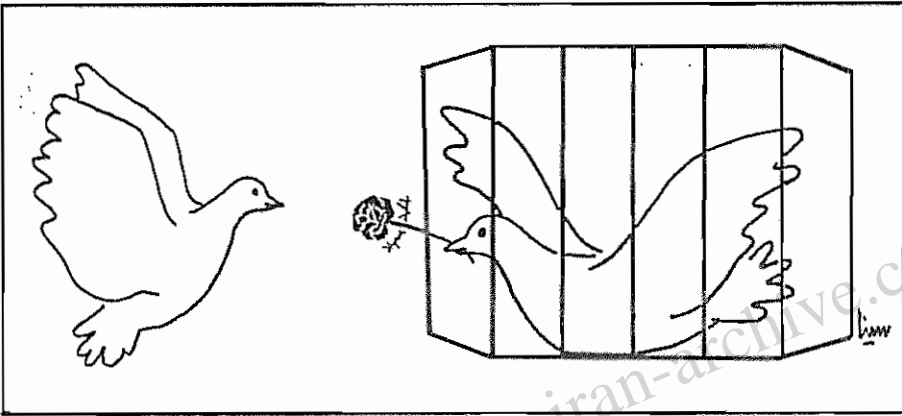
من یک هوادار حزب سوده اسرار، حزب طغنه کسار اسرار هستم.

در دو هفته اخیر با دلی پر درد احبار منتشر شده در ادیو ایران را شنیدم و سپس همان به اصطلاح "اعتراف" را در روزنامه‌های به خارج رسیده خواندم. ما یلم برای شما با قلد ما رسیده یک نکته را توضیح دهم، که نندای قلب همه توده‌های ما است.

با اولین خبرها در مورد به اصطلاح "اعتراف" من بسیار نگران شدم. اگرچه به یاد سوگوش داده بودم، ولی شور به عقق تروهر جاستان را می‌که اعمال شده بود بی‌نبرده بودم. اما وقتی روزنامه‌ها رسید و آنها را مطالعه کرده، رانش را بخوابید سنگ سنگی از قلبم برداشته شد. برایم هیچ تردید باقی نماند، که تمام این به اصطلاح "مصاحبه‌ها" به دست آن عناصر خود فروخته ساواکی شناخته و شایسته‌های نوشته شده است، که برای "کمونیست حزب" تربیت شده‌اند. یاد صحبت در یک جلسه حزبی افتادم، که رفیقی مضمون آخرین صحبت تلفنی رفیق کیا را چند روز قبل از دستگیریش به اطلاع ما رساند.

رفیق کیا گفته بود:

"حلقه راست‌گرایان به دور ما تنگ و تنگ‌تر



آزاد بیخس که مورد پشتیبانی خودشان هم قرار دارند، حتی برای کمک به آنها در مجلس شورای اسلامی ایران قانون هم تصویب کرده‌اند و یک بودجه ۵ میلیون دلاری برای این نمک‌های درست و بی‌حق تعیین کرده‌اند؛ آری این نشخوار کنندگان قی شده امپریالیستی نمی‌فهمند که به زبان خود اعلام می‌کنند، که جنبش‌ها صد امپریالیست و آزاد بیخس صحرا، سوواست، فلسطین، السالوادور، آفریقای جنوبی و ... هم "جاسوسان" جمهوری اسلامی ایران‌اند! این عناصر کوردل و انحصار طلب، این عناصری که آمده بودند حقوق زحمتگان جهان را علیه امپریالیسم به عرش برسانند، به زبان خود اعلام می‌کنند، که رژیم‌های ارتجاعی السالوادور، آفریقای جنوبی، شیلی، برزیل، آرژانتین، ترکیه، پاکستان و ... که نمیری‌ها، سوهارتوها، سادات‌ها، مبارک‌ها، حسین‌ها و حسن‌ها و فهد‌ها "حق" دارند "جاسوسان" شهری و جمهوری اسلامی ایران را سرشوب کنند و خفقان فاشیستی و نژاد پرستانه خود را تحکیم بیخشند! آری آنها، که آمده بودند علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برزوند باندانم‌گاری و با افتادن در چاله سیا کنده "نه شرقی، نه شرقی"، عملاً و چه بخواهند و چه نخواهند به چوید ست‌بی‌رنگ و پیش‌پا افتاده امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بدل می‌شوند!

«استدلال»، است‌یا تحریف

"جوید ست مسکو" است، زیرا نظریات حزب سوده ایران با نظریات حزب کمونیست اتحاد شوروی تطبیق دارد و پشتیبان اتحاد شوروی، پایگاه قدرتمند و بزرگ صلح و ترقی اجتماعی است؛ پاسخ می‌دهیم، که تکلیف عمال و جاسوسان "سیا" و اینتلیجنت سرویس و دیگر سازمانهای "امنیتی" امپریالیستی روشن است، آنها برای این کار پول‌میکرند و از این راه "زندگی" می‌کنند؛ آنها "شوروی" را مطرح می‌کنند، تا آمریکا منسی شود.

اما آنها، که مدام قی کرده این دستگاه‌های جاسوسی امپریالیستی را در گلو قرقره می‌کنند، نمی‌فهمند، که امپریالیسم دارد از گلو آنها و به زبان آنها اعلام می‌کند، که تمام عناصر مترقی و ضد امپریالیست، تمام جنبش‌های ضد امپریالیستی و آزاد بیخس "جاسوس" شوروی و "جوید ست" مسکوند و از "استقلال" برخوردار نیستند!

آنها، که سالهاست، این آدم‌های آمریکایی را می‌جویند و نمی‌بینند، که همان قسی شده متعفن "سیا" است، که در دهان دارند، به زبان خود اعلام می‌کنند، که جنبش‌های

"استدلال" می‌کنند، که حزب سوده ایران گویا به اعلامیه ده مادهای دادستانی کل انقلاب پایبند نبوده است؛ پاسخ می‌دهیم، نه! بلکه آنها، این اعلامیه ده مادهای را زیر پا گذاشتند، که یورش عناصر غیر مسئول و مسئول را به دفتر حزب ما تحمل کردند!

"استدلال" می‌کنند، که حزب سوده ایران گویا با فعالیت مخفی، قانون را محترم نسناخته است؛ پاسخ می‌دهیم، آنها، که خود با قانون مبتنی دفتر ما را بسته نگه داشتند، روزی ما را تحویل شدند، رفقای ما را در موقع مراجع به کتابفروشی‌ها و روزنامه فروشی‌های علنی دست‌شور کردند، دست به قانون سکنی زدند؛ آنها، که با ایجاد لیست، تهیه اسم و آدرس در گران‌سپان، شعار بزرگ انقلاب سکوهمند مردم ما را که "آزادی" بود، لنگد مال کردند آن‌جا - نیسان قانون شکنی هستند، که دیر یا زود در مقابل خلق و تاریخ پاسخگو خواهند بود!

"استدلال" می‌کنند، که گویا اعضای حزب سوده ایران "جاسوس" مسکوند و حزب سوده ایران مستقل نیست، وابسته به مسکو

نامه سرگشاده يك حقوقدان آلمانی به مقامات ...

بقیه از صفحه ۶

اموال توقیف شده خود را باز پس می‌گیرند. کمونیستهای ایران، می‌آرزینی که در امر دفاع از انقلاب و دستاورد های آن، حتی از تاجران نیز دریغ ندارند، مورد بیگرد قرار میگیرند؛ آنان را به بند می‌کشند و بد انان برچسب میزنند، سگنجه شان میدهند و نیز بقتل می‌رسانند.

پس از برکناری بنی‌صدر، از ریاست جمهوری، آیت الله خمینی شخصا اظهار داشت که بنی‌صدر نقشه‌های آمریکا را اجرا میکرده و دیگر نایبستی باین دام گرفتار آئیم.

متأسفانه می‌بینیم که چگونه آمریکا بوسیله ایادی داخلی، با استراتژی ضد دموکراسی و هدف فندی، موفق به دستردن دام بزرگتری شد. دایمی که پیروان اسلام انقلابی نیز، بجهت عدم داشتن برنامه سازماندهی و فرصت طلبی، بدان گرفتار آمده‌اند. راستهای افراطی و مسلمان‌نماها بکک این توطئه، نه تنها عدت مادی خود را در نهاد های جمهوری تحکیم بخشیدند، بلکه به عیان در فراهم آوردن زمینه برای تبلیغات غیر- انسانی و غیر قانونی خود در دستگاه حاکمیت نیز موفق شدند. چقدر درد آور است تصور این مطلب که نیروهایی بکک کارگران سابق شاه که حالا نقاب اسلامی بچهره زده‌اند، بحزب توده ایران حمله برده و با اتهام " سیا " ساخته جا- جاسوسی دست به تضييق و فشار علیه این حزب زد هاند. انسانهای می‌آرزوی همانند کادر رهبری حزب توده ایران را، که برخی از آنان در شکنجه‌گاههای شاه حتی ۲۵ سال مقاومت کردند و با وجود دیده می‌توانستند تنها با دادن يك امضاء آزادی خود را باز خرید کنند، حتی ذره‌ای از عقاید خود دست نکسیدند، حال تحت شکنجه‌های جسمانی و روانی و تزریق داروهای مخصوص، آنها

را به " اقا بر " مضحك و امیدارند. نرم آور است که در بوق و کرنای ارگانهای خبری جمهوری اسلامی، متد های سگنجه ساواک، بعنوان مظاهر بیروزی بزرگ انقلاب دیده میشود، در حالیکه این اعمال در حقیقت سنسد محکومیت آقایان و مرگ انقلاب می‌باشد.

افکار عمومی در ایران و جهان، به ماهیت چنین " اعترافاتی " واقف است و اینکه با افرادی مانند کیانوری که تمام وجودش را بیش از چند دهه و تحت خطرناکترین شرایط وقف مبارزه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نموده است، این چنین رفتاری بعمل آید، نماند هنده " پیروزی پنتاگون و علامت ترک باختی نه تنها انقلاب ایران، بلکه نیز اسلام انقلابی است، که نماینده نش چنین می‌کنند.

بگذارید هیأت ناظر بیطرفی بایران سفر کنند و دلائل دستگیریه و تویوه کسب " اعترافات " را بررسی نماید. این اقدام برفع انقلاب ایران بوده و نقاب از چهره راستهای افراطی، که در غالب اسلام خیزده‌اند، برمیگرد.

من، همانند سایر مدافعین انقلاب خواستارم که بمنظور جلوگیری از این خطر بزرگ، به اقدامات علیه راسخترین مدافعان انقلاب پایان داده شود! اعضای در بند حزب توده ایران، بایستی از امکان دفاع از خود و از عقاید سیاسی خود برخوردار شوند!

تنها توطئه‌گران، نارگزاران ارتجاع و امریالیسم و ضد انقلابیون، از خواستهای فوق وحشت دارند و بالعکس، انقلاب می‌تواند بدینوسیله از خطر نابودی و سکست کامل برهد.

کارل هاینس وایدن هاسر

چرخش بسوی ..

بقیه از صفحه ۱۰
شرفی، نه غربی "، دقیقاً سیری را طی می‌شد که در " سند شماره ۹ " ترسیم شده است؟

کودتای خزنده

مجریان خط مندرج در " سند شماره ۹ " گروه با نفوذی مرکب از روحانیون و غیرروحانیون راستگرا و ارتجاعی و نیز " جوانان مسلمان " تعلیم دیده در آمریکا هستند، که اینک سیاست " چرخش به راست " و جهت‌گیری بسوی شیطان بزرگ " را هدایت می‌شند.

زمامداران جمهوری اسلامی به روال همیشگی، منشر وجود " کودتای خزنده " اند و آنرا تصویر واهی، تهمت، افترا و بالاخره تبلیغات ضد علیه " انقلاب اسلامی " وانمود می‌شوند.

ولسی " کودتای خزنده " و گرایش بسوی " شیطان بزرگ " سه تاصور واهی نیست، بل تصویر زنده ملموسی است، که برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بسبب وجود آنرا تصریح می‌کنند. ملا، آقای نامسسل عابدی بر راده ضی سحرانی در جلسه مجلسی ۱۱ اردیبهست ماه سال جاری مجلس شورای اسلامی، صریحاً از طرز تعریف " جریان " و سته " ای سخن گفت، که استعمار را مسیت حد اچند می‌داند.

وی اظهار داشت:

" این آقایان میلیاردها، که در زمان شاه نظام ثارخانجات و بانتهای او را اداره می‌کردند، چه سده است که امروز همه‌شان سجاده و تسبیح بدست گرفته و دعوی طرفداری اسلام عزیز را دارند و بعلت حاکمیت اینار بر اقتصاد کشور است که آن وزیر آمریثائی می‌گوید " بازار ایران را نیاید دست داد " - آقای نامل عابدی بر راده خاطر نشان می‌سازد، این جریان و سته در رسد نه " می‌خواهد تمام قدرت را بدست ببرد "، دقیقاً " بنظر ظریف و بسیار معانه وارد کار شده است و این اسب کودتای خزنده ۱۰۰۰ اینان به امید موفقییت کودتای جدید در درامد و شاید هم به خیال خودشان زیاد طول بکشند، برنامه‌ها دارند، پولها خرج می‌شند ".

آقای عابدی بر راده با تأکید مظر پیرامون " کودتای خزنده " و اجتناب از افسای واستگی مجریان آن به امریالیسم آمریکا، فقط نوبه ای از اسرار پست برده را بازگوئی کند. آقایان میلیاردهائی که در زمار شاه اداره امر کارخانها و بانک‌ها را به عهده داشتند، آناسی هستند که سفیر نیپیر آمریکا در " سند شماره ۹ " از آنها به متابه تأمین کنندگان هزینه‌های روحا- نیب یادآوری می‌شد. به نوشته وی این آقایان حمایت خوش را از روحا نیب، " برسبیله برداخت هزینه‌های منرو و موالی اعلام " می‌داشتند و به حساب آنها بوده، که " هر هفته میلیونها دلار میاز آسالله‌ها دسته دسته " می‌کشد.

در شرایط توفی حاکم بر ایران، هیچ فرد و گروه سیاسی و مد هیمی و هیچ جریان و سبکه ای نمی‌تواند، بدون جلب حمایت و سیاسی، اس و آن گروه از کرد اسد ثار اصلی و عهده اهرمهای سیاسی، برآمده " کودتای خزنده " را به قصد گرایش بسوی واستنشر عقلی سازد. سبب دلییل سیر جاسوسان و افعی را نماند در مساس مبره‌های درست حاکمیت جسجو بر

با گنج سالیان باور مردم چه می‌کنید؟

میدانم
میدانم که استوار خواهی بود
چرا که بازوان به زنجیر
و دستهای مانده به خاک
فریاد گرم ترا هر کرانه می‌خوانند
اگرچه قامت خم ناسوندات
خونین به دست‌دندان همیشه است
و گرچه خنجر نامردمان
ایستاده به پهلوی خویستن داری
فریاد پرتوان زمین، گار، نان و آزادی
فریاد توده‌هاست
فریاد پیکر خونین تود هاست
رقصنده‌های ساز بد آواز اجنبی
با منطق " سیا "

یارای رفتن هستی معظمت
هرگز نیافتند و نخواهند یافت

ای حزب
ای امید
ای سرو است قامت‌آکنده سی به خاک
زخمت‌اگر چه عیق است و تاپار
راحت‌نه در تلام " طعمه " گران زنده خوار
تاین تومسه عی
این گنج سالیان
فریاد نیده‌هاست
کز عمق رنج چهل ساله می‌دهد
تاریخ نام ترا بر زرنشاست
(روی سیاه صحنه نمایان بی‌خرد)
اینست باور فردای خلق ما

در بریشت گفته‌اند
آترا که توده به باور نسته است
کیرم که صحنه نمائید و زنت نثارید، ای ددان
با گنج سالیان باور مردم چه می‌کنید؟

× × × ×



قرارداد تحمیلی محکوم است

مقاومت در برابر قرار داد جدید میان اسرائیل و لبنان که تحت فشار آمریکا به دولت لبنان تحمیل شده شدت میگیرد .

رشید کرامی نخست وزیر پیشین لبنان اظهار داشت که این قرار داد استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان را به خطر انداخته است . وی گفت قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها راه واقعی رسیدن به صلح عادلانه و پایدار در منطقه است . طبق این قطعنامه ها اسرائیل موظف میگردد نیروهای خود را بدون قید و شرط و فوراً از خاک لبنان خارج سازد . ولید جنبلاط نیز تمام نیروهای میهنپرست کشور را فراخواند تا به مبارزه خود علیه اشغالگران اسرائیلی - آمریکائی شدت بخشند . حزب کمونیست سوریه نیز طی بیانیهای قرار داد میان اسرائیل و لبنان را محکوم ساخته و اظهار داشته است که این قرارداد در شرایطی منعقد شده است که اسرائیل بخشی از خاک لبنان را تحت اشغال داشته و آمریکا از هر طریقی برای انعقاد این قرار داد به لبنان فشار وارد میکند . در این بیانیه آمده است که این قرار داد اساساً آور مخالف قطعنامه های سازمان ملل بوده و به استقلال و حق حاکمیت لبنان خدشه وارد میسازد . این قرار داد امنیت سوریه را نیز تهدید میکند چه اسرائیل خواهد توانست تسلط خود را بر تمام مناطق لبنان گسترش دهد . لبنان باید بوسیله این قرار داد به پایگاه آمریکا و اسرائیل در منطقه بدل شود .

فراخوان مادران اروگونه ای

مادران زندانیان سیاسی اروگونه تمام افکار عمومی مترقی جهان را فراخواندند تا برای آزادی فرزندانشان از سیاهچالهای رژیم استبدادی حاکم بر کشور مبارزه کنند . این فراخوان که از طرف مادران دوزدانی سیاسی به نمایندگی از طرف ۴۰۰ مادر دیگر به اطلاع نمایندگان مطبوعات و خبرنگارهای

رشد جنبش اعتراضی در شیلی

نگاهداری آنان اطلاعی در دست نیست . تشییع جنازه دو مبارزی که در روز اعتراض ملی توسط پلیس به قتل رسیده بودند نیز به تظاهرات عمومی خلق علیه رژیم پینوشه تبدیل شد . شرکت کنندگان در این مراسم خواستار تأمین حقوق از دست رفته دمکراتیک و پایان دادن به ترور علیه خلق شیلی شدند . سازمانهای سیاسی مذهبی و سندیکاها اعلام کرده اند که دولت نظامیان حاکم بر این کشور در دشوارترین روزهای خود پس از کودتا بسر میبرد . حتی محافل ارتجاعی حامی پینوشه نیز از ابراز عقیده کرده اند که اعتراضات هفته اخیر جدی ترین فعالیت مخالفین رژیم در سالهای اخیر بوده است . تمام سندیکاهای کشور موفق شدند مرکز واحد رهبری جنبش اعتراضی در کشور تأسیس کنند .

صدها هزار نفر از زحمتکشان شیلیائی با شرکت در تظاهرات و گرد هم آئی های اعتراضی مخالفت خود را با رژیم دیکتاتوری پینوشه ابراز داشتند . هر روز که میگذرد قشرهای وسیعتری از جامعه بهبود وضع فلاکت بار اقتصادی و احیا شرایط دمکراتیک و آزاد را میطلبند . کارگران در بسیاری از کارخانه ها دست به اعتصاب زدند . عکس العمل پلیس و نظامیان "آمریکائی" حاکم بر شیلی چیزی جز خشونت نبود . در هفته گذشته پلیس به چندین منطقه کارگر نشین سانتیاگو حمله برد و بیش از هزار نفر را بازداشت کرد و همچون سال ۱۹۷۳ ، سال کودتا ، آنها را به یک استاد یوم ورزشی منتقل کرد . طبق گفته های مردم ۲۰۰ نفر دیگر از طرف پلیس دستگیر شده اند که از محل

کسرن ها ، حامیان نژادپرستان

آمریکا و انگلستان و بسیاری از کشورهای عضو پیمان تجارزکار ناتو علیه آن رای دادند . با وجود توصیه های مکرر سازمان ملل متحد بنی بر لزوم تحریم برقراری هرگونه رابطه اقتصادی با رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی ، تعداد انحصار هائی که در سالهای اخیر در این کشور سرمایه گذاری کرده اند به ۳ هزار میرسد .

فعالتهای کسرنهای چند ملیتی در آفریقای جنوبی و نامیبیای اشغالی در اجلاس کمیسیون مربوط به کنترل انحصارهای فراملیتی شدیدا محکوم شد . نمایندگان گروه ۷۷ تقاضا کردند که محدودیتهائی برای انجام معاملات با این کشور در نظر گرفته شود . بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد از جمله کشورهای سوسیالیستی موافقت خود را با این درخواست اعلام کردند .

جهانی رسید . دومین پیام از نوع خود است . این مادران که فرزندانشان به جرم همکاری با سازمانهای مترقی به زندانهای طولی مدت محکوم شده اند ، در اواسط سال گذشته پیامی خطاب به مقامات عالی اروگونه ارسال داشتند که در آن غوغای تمام زندانیان سیاسی خواسته شده بود . این پیام طبق معمول هنوز بی جواب مانده است . طبق اطلاع مادران زندانیان سیاسی وضع جسمی بسیاری از آنان وخیم است . زنان زندانی به کارهای سنگین بدنی از جمله سنگ شکنی واداشتمی شوند . چنانکه این مادران گفته اند با وجود اینکه متوسط سنی زندانیان کمی بالای ۳۰ سال است ، بسیاری از آنان طاقت شکنجه ها و وضع زندان را نیاوردند و جان خود را از دست میدهند .

گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از ...

بنگلادش

کمیته مرکزی اتحادیه دانشجویان بنگلادش با انتشار بیانیه ای ، به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا "حزب توده" ایران شدیداً اعتراض نموده ، آزادی فوری زنان را خواستار شده ، همبستگی خود را با مردم قهرمان و انقلاب ضد - امپریالیستی و ضد دیکتاتوری ایران اعلام نموده است .

بقیه از صفحه ۵
همچنین رفیق کارل - هاینتس شرودر ، عضو هیأت رئیسه حزب کمونیست آلمان ، با حضور در غرفه "حزب توده" ایران ، همبستگی کمونیستهای آلمان فدرال را با انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ، حزب توده ایران و زندانیان تودهای ، اعلام نمود . سایر مبعوثان برجسته بین المللی این فستیوال نیز با مراجعه به غرفه "حزب توده" ایران ، با امضاء کردن فراخوان دفاع از زندانیان تودهای و همبستگی خود را با حزب توده ایران ، نشان دادند .

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در زم

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH
No. 43
Friday, 27 May 83

**Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90**

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 600	L.
France 3	Fr.	U.S.A. 40
Austria 8	Sch.	Sweden 3
		Skr.

